

أردونش كالك متندا تاري وأدبى سلسله

اُردونتر کی داستان

ئۇلىن، اسىھىپ ئ



مطبوعات شیخ عندام عام

مُولاً ورافعي مرزك مرزا فرمة الذبكة بك

اُدرونو کی درستان قندون مودا عبدالمیزتر و مجر یادی ترموا در مرزا فرصت الله بیگ سی معاقب زندگی پرخیط ب آپ به نند می بیرای این سیسط کے مواقعه نیاب اے محب بی جرایک تھی دار کیون کے جافسا و آپ کی نفد کر دہیے گی۔ اور کا بدائوں کا مواقع میں جے ہے۔

مرزا فرصت الدَّرِيك اپنے ذائے كممزان بحارتے مزاع شكارى كے ما توساتو آزال اور ممادوے كے كابی 5مئى تے ۔ والیٰ الله فا پرگوفت، معتمون اورخوال كا وصت وگرسیسال ہونا فرصت الشريگ كي شب يا تو بي ہے۔ ان كے شيرة آفاق مشاكل

أدا سے بی مقائشائے۔

ک آفتبات آپ کے پیشنا آفٹنی فی کا کام دی گے۔ جیس آمید ہے کہ اُد دو شرکے اس مقبول عام سطنے کی برقسط آپ کے دوق سنیم پر پُری اترے گی ہ ئۆلەر بۇلى بىرىغانىڭ ئەك كەرەپىلى كەنتىل ھەند

مبده ایم این از استامید دایم این از از منیف ثابتد اشتاق امر

المرسيف مليد المحلول المرسية المرسية

2055 1 Fm

مطبع : قام کلیپلاتر ، قام در خلک (حاملا : مغیر داست شخ غام می

بروسان ما کارداز ادی دکیت چک ۱۵ کارداز افغان خبر

10 to

Kn (Maragues)

هدفاهد سال الالحاج الخوارة بالمتحافظ المجاهد المتحافظ ال

The state of the s

ار کید موسری دو جلی فیکند بین نیز گرانسس برای این میزاندی بورسیات که در این میزاندی باشد با با در این میزاندگر این به میراند در میزان به میزان میزان به بین در در این از کار در این این با بین با بین میزان که بدر انتقال که در این به میزان میزان میزان به میزان با میزان با میزان با میزان که میزان که میزان که میزان این میزان که میزان در است بین میزان است میزان م

فردرس ریابی سے ملاوا علی کامفر

دیده آدادی بیشتر که برگذاری بود. کست بر برشد به دیگر بازد نامی برگذاری به بیشتر برگذاری بازد نامی برشد و برای بردید و برای بردید و برای بردید و مدار استان که سروی برای می مواند از در برشد به دادید و بردید و بردید می مواند که می مواند و برای می مواند برای می مواند بردی می مواند که می مواند بردی می مواند که می مواند برای می مواند بردی می مواند که می مواند برای مواند برای مواند برای می مواند برای می مواند برای می مواند برای مواند برای مواند برای می مواند برای می مواند برای می مواند برای مواند برای مواند برای می مواند

بدا ليمو فرس مد العوض من التأكن بما في المدين الما فقت بما في المدين المعلق من في المدين الموافق بما في المدين بعد المعلق من المدين المدي ما المدين المدين

and the second of the second o

در این به ای در این به این ب

پدول الومال المال الآول خال بر مشارت مراول بدر کام ای فاق در خال در این می این می افتا در این می افتا در این می افتا در این می افتا این می می افتا بدر این می این می افتا بدر این می افتا بدر این می افتا بدر این می این می این می افتا بدر این می افتا بدر این می این می افتا بدر این می این

میمیای و قریبها و پیدراد کی فردان کل و برگار کیچار د آن کا دیم فردان شاخل این کارگار دو. میمیمای در دارگار میزاند که به بروی فردانداد داده گار کارو د برگار میراند میرود به به درگ دارگیری میرود به به درگ دارگیری میرود میرود درگار داده شدند میرود به به درگ دارگیری میرود.

مستون دریام برگان بادی نیدستین کی نند دریاد متدیدی بی ماهبری ماده مادیده کا که بدشتان آن که را کام و بی کاری نجه فاده باد کداری کاری وی دارش کالای زاردن بیشانی ماه شدند ماه بادیدادی در

العرد الدول و كالمال من المال المال

صیحه ۱۰ بر برگلی یا می ن و ده ران که بایت ای یا بسانده داشته بی کرید میان میای داد که دخانتی ایم ۱۰ فراس میان کود اش شده برد میمان ۱۱ کسد که میزادس می ترکید برد ندکی داد دیگریس

يين شاده ده كونا چين حافق نوي كه هيؤ ژون ، دور يا بترا بون رکي به الجهاري. زندگي كفيل از يدى موض بر جائت . معلى : راگر ايرانسيت ، توضا قبرا رست ارادت مي دکت وست در تشون آني

برگام رئے بیسال در منافعہ کلینے۔ اماری میں بعد کی ایسان کے اور انداز ان اور کا انداز کا نام کا انداز در گوارسید می واقع ایر افزاده ای میاستدی افزاده برای الای بیری می افزاد به کار الای بیری می فزاد بیری می فزاد کار ایری می می بیری ایری ا می می می می بیری می می بیری می بیری

المساعة المساعة المساعة المساعة المواقع المواقع المساعة المسا

پروند دیا اور چانا که مجدد عثر تین یا دوم . بودی تنایشدگانی کردنانهای میشیخ - و بچر جیس اب کا آن و بچ - بچر اغرابیت که کمیارست دارای دگانی پیدام - اعدام این میشان کا که دوم فرب یا در کو نرم بیگایم کا ایکسیا می به - المنافعات الدين كما إينان المن هندستان ويا هذا المنتصاد والميطان في المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات ال يتما التي يتمادون المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات المنافعات ال يتمافعات المنافعات ا ولكن المنافعات المنافع

ه بشق ه کارده فی ایر مستقداری بید که قامه دود تنایسه کارنشده! ۱۷ به بید بجایستگرداد کسان فی می از دایشه انتیاس و بسیده میسه با دادش ایش ای توجه دوست بیرسهایی بید بیرسی از دادش ایش می از دادش ایش بیرسی برمش از خوارد درسی ندایشه با به بیرسی می ایرسی ایرسی کارشیایی بیرسی کارشیایی بیرسی کارشیایی بیرسی ایرسی کارشیایی بیرسی ایرسی می است بیرسی و میزاند و تازید و میزاند و میرسی کارشیایی بیرسی می دادشت که در ایرسیسی می شدند که از کارده ایرسیسی می شدند.

ر آن با داخلی ما داخلی مناه این با در با در با در با در این مالی داد. این مالی در این در این در این مالی در ای می در این بر بی بر بر این بر این بر این بر این بر این بر این در در بر بر این در در این در در این در در این در در این در این در در این د

التجارات المساحة المستحدة المستحدة المستحدد المستحدد المستحد المستحدد المس

مسموند فرخ که تا داده دی میافتید شاوه ماهم چینی دوساونده شای که ما فاد. حقید و دوسان که می الداده و میشود شاوه کار میروند با با با میروند با با با میروند با با با میروند با با با میرون شده با با میروند با با با میرون شده با با میرون شده با میرون شده با میرون با میرون شده با میرون با می

را من المستوان المست

جمدا کا دورہ اور بازید کا دوریکے بیکٹر و احقاج برا چاہ نظاریہ فراہ و حق دورہ براہ کا دوریکی انتخاب میں دو گائی ان خان کے انتراک کا بھر واضح کا ان انتخاب کی اور بواج کا نے انتراک میں سال انتخاب کی بھر برائے کا میں اس کا انتخاب کا انتخاب کا میں انتخاب کا انتخاب کا انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتراک کا انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کے انتخاب کی انتخاب کی انتخاب کے انتخاب کی ان

سب جزون كامين مال من جوال - قريت كالأذاك مين يرجى بولاً التحديث المؤي تقول الما ومدورات محرك كافل .

دومریت دن مید. دیشتر قرائے پرون سدا کا بردا فرامان کے کوئی بیدان اور اگل توکا کا چاہا تھا ۔ اس وقت من کے بعدی در انتشاعات پر سے اور بیانا کل ۔ قام یا دکا یا جو برجو سنداز کشوری کھنا۔ من فیال کیٹھائے اور اور کھنٹی کوئی تشکر اور اور اور ایک آئے میک ملاکات کے باور کال جہانا تھا کہ کرزی واکھائے میک پاؤیل سے فیل کا کماند کا دومترہ سے باؤیل سے 10 اور کا اور بھے وہ مسیحان ریکھ کے بھی ہے ہوسی واقعان پر کا 2010 افکان انڈکا پونڈ کھیڈ میکٹر ریکھ کا کہ کا کہ میں بھی اور در مشیدی میں اور ایسٹر چاری فرود میں اور ایسٹر کا کہا کہ میں کہ کا کہا تھی کا کہا ہے کہ اور ایسٹر چاری فرود میں اور ایسٹر کا کہا کہ کہا ہے کہا گائی کا کہ کہا ہے کہا ہے کہا ہے۔

ر بازید با برخود می این کاوان به سنده کرده این برخود با برخود برخود برخود با برخود برخود

۱۳۳۷ کی کی اور انتہا کا تیجہ کی اور کا دائدہ تو دھری ہے باران کا طرفت میں وہ اور کی کی دور اندر میں کا در انداز کی بیار کیتے ہیں ان میں میں مار مورم نیزر کی سے کا کا کا دریا اور میں کا انداز سے دور از این میڈل ک

ر 200) مخوج الما بوزيد من مراقع موقع الميام الما تا المجاول المداور الما 1 موقع الموجود الموجود المدول ما يوجه بيديا المنظر الما المداور الما 1 المراجع الموجود در ماده برای به هم هم می می هم در این می دود این می دود این برای می دود این می دود این می دود این می داد. و بر این می در این برای بیده هم در این می در ای

ر دون و گزاری سازه که ده کار در سازه که این که بازید که می این که می این که می این که می این که می که می کارد که در این که در بازید که می این می می این که در در می که در که که در که که در که می که در که می که در که می که می که در که در می که در که در که در که می که در که در

ر المسائلة من المستوية . مستويد . مغرات إلى الا خارة الماد الماد الماد المؤدر المواركين ولمات إليه المداركة من المواركة والمواركة المواركة المواركة المواركة المواركة . المواركة المواركة المواركة والمستوية المواركة المواركة المواركة المواركة المواركة المواركة المواركة المواركة

ميني . (الرج به ما) واختار ومانتان مين مينو كويان مدين ال من من ارج ارتي دون خال مامن ند كان كي جائي خوب كي دو دانيا ب المين المراقع في من من المراقع الأرج من من المان خوب كي دو دانيا ب

مسميل «گوبيد» و اداميان از درگ شه مسانان که اين واند شرب کمان د اين امان او مکند برد و گل که درگ که که که که که اين در در شد کند. د اين کفست آن ود در در کشور که در انگون در محل در شد که ميان در در شد کند. د اين هوار به برلندس» در ترسيد بازگون ميان که که برگ ميشن که کدر در داد. که اين سده مان شد که این که ورد شوب کرسيت مي در است و در يک برای که رق تو جين برادران مست د چند چه بدر که خاطرن و هذا که قادم بالگا. در ايدا خراج که مهدان اين که ندر خواها به بدانا تا مهج به . گر چر در در خيد به با بخد آن که برد خالف میشندی ايدا خده مهج به . گر باز تران آخرون سرم به بدر منظمت به بایدنا کمی خراج به بایدنا که برد گردایا متقدت داد صفحات می در شرق میکنان در . محر ميان و ميرست بادر شن استند که اي فديدگا، جزان افراد م

کارکا تا . <u>طویسی و آ</u>ف می سم ترام مجالان که ذریده دلیرها ب . <mark>میمین در در اداری در بخش از اندازید دلیری در اندازید در بیری در میکرد در اندازید در بیری در اندازید د</mark>

البراني مية الدولت في المدينة في المانية المستولية المستولية المستولية المستولية المستولية المستولية المستولة المستولة المستولية المستولة المستولة

بر بره جار او بر او احتاق برس آنا المادان المحافظ برطور المرابط برائد مجاد الديمة والديمة بالمساحة الموافق والمحافظ المستصور بدوله كارت المرابط مجاولات المهاجرة المجادلة بين الموافق المحافظة المحافظة

ان ہے جہ ہو کہ ہوں وہ ہی ہیں۔ مدی مودوری ادامہ کہ ان کے میں معرک ان کرداری آگ ہی ہیں ہی گئی کا نامیل جی بیان چیس کہ ایک تاریخ پڑھا کا ک !! حسیسین : - کیاں ؟

۱۷ بنرقی: س اگریکسبرور نے بازیری فرق کل کوار پر م چار اوریشی با فرکر تجرسون کارک فات بوریشندی میس نے

المراد المراد المراد والمشحر المراد بدخون المدادود المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد المراد الم المراد المرا المراد الم

ما آن آن آن از و زواز ارسند را آن کیے سے ان اور انجیب نے پردان کا اصابی الک کی ختان سے چھا تھا مہمانا تو مان چر و آسٹے کا کارخ صاف اللہ اواما می قات چاہدہ اور شدہ کھورند اور فرد اردی کارٹین کا تھا رہا تھا ہے کارٹون کا اور کارٹون کا اور کارٹون کا احتماد محل چک میا تھا اور شید کھورٹ انداز کی کارٹون کا احتماد کا اسکار کارٹون کا احتماد

ئیں کوئٹا گئے۔ دورکس کا کا آٹارشائق ایوان ہو المشاق العام اُٹھ اس افت آدا کے سیکر آئی میں جواب آمودہ ایا ہی کے توان ہی جواب جواب میں ایوان اوا مرشکھنٹے دو توجہ سے اِقت کے کا قبل کی ایس کا امارشتہ اور اس مجتلے ہے۔

سیسین : را باعث سے اعتمال کریں ہی اپ ادا استدادی ان ایم انگلا اوست کیا آخر بریست کا بھی خیلے میٹون او کرنز استعاد دی بڑنے گی سادر جامعوں جرگ دادد فقر کیستان بروشن کا فق بن برانم کا دوسائل سے برے کے مشاور دیست آئرے ایسارکی ویافت جارت کی ترقر کی نیس جہودی گذشت کا ای اداد

دول کے تباول فوق کے منے میں خودگی ہے کہ ای پر دکھشت ہی کے جانجات رکھن ہوائی کا ایک انتخابی کا استان کے انتخابی کا برخانی انداقی کا فراد ان کے انتخابی کا انتخابی کی انتخابی کی ا معرف کے کا منتخابی کا منتخابی کا دولان کی انتخابی کا انتخابی کا منتخابی کے منتخابی کا منتخابی کے منتخابی کا کہ منتخابی کا کہ منتخابی کے منتخا

ان جانبانی و نظر مجاهد فراراد آن این توی دو در داران کاست بداد کی اند. رایدندن و نوانشد میرشنول برگ به کارا انداس ایک می تا کیند برخت این برخت و مدیر با آن زیر شده کار بختر های تویستری می در برختار می این ها در برختران سد شدند چند بختر ساران انتخاب هذا مدارس میان برمایش میکاری آدود و بختای خی رگز داد در میگرفت می دافشتای شدن و آن و دان ای داد در این استقوال داد و دو و توشی شد دها

مورساساته چندین دائل برگا: مین نے فراد دومام سایدند شانه ادور بادی اندھ کی کردہ رقی می گورند میں انداز کا سالت انداز اور کا کا سند برخد اردی کا افزاد میں برخد فراد کا میں کا دومام سالت کی میں انداز میں میں میں سالت کے ساتھ کے ساتھ کے ساتھ کا میں انداز کے اللہ میں برخد التقادید الدور کو کا دومام کا میں انداز کا انداز کا کہ

عین کوئین خرک به فقت کختیون نجسیاس بیشاری دی نش دیری خرای تعرفی کم بول خی ادرایش فقارت ان افزاع ایران کار برای کردند اندرود بدنداری شف که آماز کان میرا که ادرا بدا سوم برا کر گرا

فردد والأن في فرى برى كارى كم في الديث في ردون الرت م المك الديد

これの エルターかんしいって きとがんでいたられ

ہ وریک گینے کے بوجے حد اسٹی سے انسکے بڑو قداد کا میرک کا حیال جا کے د کھا آ العزیم رت بول جائی کہ ہم ہی ہی سے بڑے کا ایک بڑو الدی برجا خرج رق

ك للد الدولاق رئال يوال لاسد وروع بركايد وبزك وول جان مراكل مي ميان يول يون رار م يو ولاي شادل دوائش وكي ك وي شادر وميت فورد جول مي تلزاق عارس تدرق بدر كما تع راهن على . الرندات كالماقت المربعة برافق العادت براشيارى وداكا في عامن بذي أن المان وروا على المان والمان المان ال ليلون يقترير فاحال عاليه عرائز عي إن ي ي عضال كيوس التي مديك رين ويوالى الديدي في والله من الما ي من والله منافعيت encint buries we warry we added المنهور والمدعودة كالدمريزولوا بالدول المفط وكراب ا مرة إلى التاري في الماد الموال عالم ورعاد واللف تري و المضارف كالمال ادر اف کوادر ان او کے پا اور اے اوی ان کا اور الدم ال کے دریان کی جا کا بدی ال اوران کے مان کے فواق کے وال کی واکستی و تاؤی کے ای اوروم عال بدور او شعال فال پدالا عدد الدار دیان طال سے بھار بھا دے کیدری جی کرم عل تسفیر وسلیسی جی سواستوں اور アイト しんしなったにはいいできないかいかいかいろいろいろい からかとしいからからまんけんかんいろころの

alderate being on all ye published it is

الم سال الدائل فيل باد كالماء عرف من المان المناسبة

5. Swid 3. E. S. W. W. W. C. C. V. S. E. L.

大いれてを大きれていたのかながらいこのかとれる

والمراحل على ومحيدك والمناوع في والدعة الماع المادي

ع المروى في الرائد المرائد المان والمروز عرى ملى الم

ندان تول سے غرشہ کا تراز سے بی مدیاں ان تن کا فائدوں کا بھڑ ہی العقدة الغزل على لا يزعونها عا" مدم عدك المستد المتلوعات دين؟ صيحاف فالمعالى والش وجرت عدد كالدان الاتخال الايالا الإدال

3) Vortice Pudo Estonic reden ب. ول ركان در فال لازي عدد الله في را الديم في المراكم الانكورا يو يري الله إن وووت ك عروب ملا دهاري يو. الم مورت المدرة الدول كي ومن ومد يد والم على الدكين いいというとなるがひというかんとういいいからいっと یں دہے جراود گوک کے ارودائ بالارت کے مکانے جو تھو الواد けいえりれんかといんのいいこんなからのとってから الانتين يؤكف فايلود اليرول عي فيط برت كالإل والميال من و تيان من و تيان これがこれのいればないからんとんしからい ودوس برح مين مو وي دو يا - الاكسب وك باقد المراب

ب بشت انهاد آن دے نام 2012-18-6100 المالا المال على الموالي المالي عديد المالك المالان ا در الله دارد الك الناء الله الله على على الموسى الا الله دارد spheelundstoples, vericult الدوقيرون كوكل الما الحاك ويكو " يهو عالى النافي يا والا النا الديك

الماكي كابن بابتاء باذ دوكان عداد نازين و وه مي ال جاسفال . آيسك فافي كا يا - منك سيت - (دا ال مردى مر وى داوردل المعلى والمعالى والمعالى والمعاد والمعاده

مين غالر الفائد في الله فقر أو يكا اور الك القداد ال كاللور والمالة دري المراك الداع والمراء المراس الال عالمال مرديدين بين الله و يورد و من بالا يورد الله الله I with a for dunce in which the fire and = 45. 8 Lds. = 4 C M Blow - 8 = 31 df - 45 pl df

succession tomated accomong

الدوم الدوم في من كا مورت وطوار كان الرس ما دكا دور

عالى فيات وى الكامام ورقيات وام الاران في الكان مراج callenson or extended the Helenout

からからかれるといととうとうといいのとのなりのかん reditions of of one states العا موروكس الحي الملف كالصاف كالموادية على .

LLKOKE SER SZELE & Spierwich when in our should re of I have ديك وي تعود داد كالمون اود عام الت غير جداد طوف كي الله かったいいいいちとりは大くかんにいいい اورد الريدايم اي からんいかしんといいるいいんかんけん

4.45.60 5.280420.200 30 806 Lone E

Boundary N. Jet 282 1 2 Lowin

Le with the younge of - it I might the

のきにはあるがとというというというといいと

Pravio Budor out yell townet + S- DI

いいいまのいかとかによるとうなかのうとうなべき

المقاد الما والال والمن والما بين المن من الما والما و しのよいがいらどとうらいはかいいととしのから وزود دل ال والله وفي الله عدم ول وف وقد عد الله عدم والله ك لموت تلا على روكن مدى حطرت لمديك مديد صائع ودعا كم صلى رباين وروى استدل ك يوك كما يركل أنى ادوا كم يوشون كرتمان والدواوي سرال كعدف ورافول كالثاف المدونة يركفوا في كلاي he of dience delorine los carenos. しったのはことができるとろいいはれる يرب سي يل مزاد ل مرت ووالص دوكى قد مرت كالارتاا Lyine attropy blown a tumber

おかられからとしかんしゃんといんかいかん مين يال دونا وام ب ني اب اشرو ي الاه 10000000000001111とははからい الله والمالي الكراد الدي الاستام من عرد ويا . ارد . رير انتاك احداد الله على الله المعدد والدر المرتبان والمراج والمراج

とりからといってとるらというのでいころいんいのがらん رات دورطرية بناؤل يعيد يرع ويد من قا فيدر كرى يالدون كا عرف تمادى محت الله و منظر طراقت مى كدد .

الرو ، عين الرتباد عدى مع طلب مادق ماي و كالمائوي في ال ليتى : كدال طلب عدي المواداي الله تقديري الل عاد اللي على といんのでいいかとないないないはのはのかないで 、見いけるかとなることがくいけいはいけん

فراب فودسکه اددیکس مام که ۱۰ - اددیکی مدان خداندی می در اندار کردار و میش که اند چشد مادان ده صف اددیکی کشی افزانی فرانه که داکل بی - به کدک در دمیش که اند به گاک -جمل و اقد شعیسی تبریک کارسک تخییست از ایسی رم نزام که اوقت شار . گر

ب من البرائي في جوابطي المنظم في المواليد برائية الإن الله بالدين المواجع في المواجع في المواجع في المواجع في م به من المواجع في ال

الله پوسکا آن کے دموسے کے چھار میرکی ورقع ہے۔ ہا' انھور - کرنے کینوں بھانا کا - رکی وہ آورائی ہے - با مخاکا کہ اور ان چیں تقریقات کر کے گے کا ان وہ حاصرت میں بڑا ہے کہ جانب میں خان کا میدادیا گا۔ اس سکرای فروحان ہے ۔

مسیکی : قرای خاوذ این در واقع یه و امود : رواه خیری کستان کر انسانی که آزگ او آنگ میدست زیاده محل احدادی تعریم کی چه در چهاب کی عیمان این است مساح جدست می گزارد انگردارست اعتمال اداری "میران جادت کی محیست میسی وی فرومیت

ر برد الروار الدول الفقال الذلك - بساق عبادها في سينت مين ابدول فارهيت مين في مديد بدولاك مد فرخي الحينان في المرتبط الدولية (درائد التيمام في المركبة) ومسيد أودك مدان مدونها في ونها في ونجان المساف كدال مي الوزار عاد واكمان مد

آماز من المنافق في دودان كم يقرش إن تسديقيدن في ام يون عند علياني تجول الواد و موجود المنافق المنافق الوادي المنافق والمات والمنافق والمنافق في الاوران المنافق ا منافق المنافق المنافق المنافق المنافق المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة

ك دەنىمچانگانى كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن ئىدەن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن يەنتىرىدىن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن دەنتىمچىنىدىلىق دەندىنىن ئەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىن كەنتىرىيىنىدىن كەنتىرىيىن كەنتىرىن كەنتىرىيىن كەنتىرىن كەنتىرىيىن كەنتىرىيى

عقارة هما برخوش، وكانهن مها الدينة المساول بهند واحديث كان ادبية الادارة المواد خاره المواد المواد

<u>ا نیر</u>و : اکل امریشادگی سے گھنے ٹی ایکسٹی ہوفک _{– وہ}ی کیا جائے ہیں۔ وہی ہوئے ہوگئیے ہے اکا یا معلیب انتیاز کا دوکن واقعال اعتباد ان پایا انتظاماتی کا نیس انتیاز ہوئی ہوئی ہے کہ انتظام انتظام ہے کہ انتظام انتظام کے انتظام انتظام کے انتظام انتظام ہے کہ وہے کہ جائے اور وقت کی لگانیا مقام خروالی جائے کا جائ اراز میانی وقت کا معلقہ بائے ہے۔ اٹھائے کے

معلنده بيد الخلال . معين الدي كان المراكب الإن الدي كان الدين المن المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب المراكب المديرة المراكب عدائل ميراكب المراكب المراكبة المراكب المراكبة ال

راست ها جواجه بها محا او هر آن هر با مشارات بناب بک او افزان ادارد. می داورد باز بی کم که آن از همود بی او است سب ب شده ا می مود بر این کم که این از همود بی او است سب ب شده از در در و در در این کم کرد و کاروری مدد برد کم کرد و در داد و در کاروری می در در در این کم کرد و در داد و در کاروری

المستقباتي عن المساولة المستقبات المستقبات المستقبات المستقبات المستقبات المستقبات المستقبات المستقبات المستقب المستقبات المس

دكافي كالآيش والدير براسيك أنا وبالآدا المناور يدان المنط كل اورول الميين السال بالور عالى الدون المهارات الماكن بالداكات

Bisioto virgedig Chilace sees 100 . Willewin winder L. د مرودان الرب كون فائده بيس عنى زاده يصبرى وكادك.

تع بي ديا وو خاب برك . أى وقت تبالى مي وقي كيف اذراء قال ليده. منينت محيرا درو كوكي بن ينواكن الله و موك بن التست تلل ماري عرف الموس لوع الدي وياس عطة عرو ح الدوط

صين ؛ دايشاك كونهالك عديدا بيل سيادى دروتم الك في - 1612 41 STATE OF 16 1 ST OF 15 الرود ولان تادک داخت ای کامند منوکری ای اعتب کرتے و

مذا كري تنبلو و دناس ماك ي جرك دولهذا . كراجي بري اكم ال Art Commotos Fris ميس ، (در ي وال ياس و على كي الحريان وور والمعين ارد يال عدائد كرسيط و في والمشار والدول عالى مديد

ى دىنىيانى ئىدائىدۇلىكى كەرەرىكى ئالىدائىلى ئۇلىكى يال المراكم المدان المراجد والمراجد المراجد المراج ك الدو قبل بدان دواره معيد لاكن فرع ومده ي دكن وسراو علارواد يراى ودى كالدا والمرى مراء

عيين : كوه طائقال ين ١ 3 8 pt 0 3 L = 20 13 - Letter - 67 1. Uto Ut Ut : 37) كدير بنادل و ويومز دادكى كوير فيدك ي في والهاب سيى: كريارك زود و ده يورد قت ديا دوك مال عبا يري いいんとうかんかんか

ورد، الموسى الم النوائد ك عرب فيس ديكر الما يا ين عي بال موں دو عرب ما وقت باغل ملي ہے۔ ميس ، ويجرناب كن وون الأرساك للإ قاون. يرو: مركد الدمنية علم لوا الدجروا والي كروري اورزول م مين: ين أى أو دُرا بول مِيادى ومرادي يربع على مي بعن وقت

- 1/2018 378 1865 はといくこうといいはないしいいいのかんかんかん ورد بالا بال . كراس و كارترك كود كراب المال

امدخام في بروي

ولياذر يصمنها مآكات حمين في الداد كوجون بصوركما الدكمان ووواي "(x31841251050000) لم و و بنین محرال الخذخترمنادتت كمن كسي وتنت ما وايا أني بيت آ مسين الرفداني ودميست كاث دى الديب الديد يتدكم دول

بعيشر يل، ك نكب عامر سعد وصل سع المغن المثالث ويل عج. (ام و : خاکرے ایما ہو، گھمین اجی تھے ہی کی امید بنیں ۔ ليني: رجرت عنى اليديش إ يرمنت بيس كالمف دوي عادي

إلى ريما ن رحمي كالدلف يوكي سے دوكسي ما مدي عد و يو فا يدي الري نيس لاياسب، وكالمتنظواس وجدة الله (درو: بے تنگ ، گرهین تم یمال قبل از والت کست بواندان اور رد تعلق اللاف كيدي وك الك القي والسف كيدونا عالل لفق كرك أيس - قرار الله والله وياك و أن على مبي كاور الله

جم كوما تقداد شريع بي كود إلى ونما ين تيرا في كرا ي الماس الك وخداى طالم بي منز درجا خاست ، وكاير صفر من ميما ل البذه كندة ا ورات بيك بي لكر نیں کی کا طعندیں اورا مزونیس آٹا ۔ اس مے کہ جانتے وی یا تنس عنوی عد الما الما و وال المراكب الى ماكان الده اى لوديستان ميده بى بين كني

حيين: الموس إليريم كب باذل كا ؟ لعرو: سب يم برجائت گرهے الباسلوم برنا بت كمبلدى جا فاطرته ال المحكمة الله كالى المديد مزور على التي وارى الل. مين وي كم أجره و بركاد د ناب ي والني ول عدايك الدوين ك الله " أو ع دو ي الرحد ع وبهاد أون الله قا اللي يرك ومال المحالات المن المامل والمرار على عقاب زمايه المراكا اب ال وقت مع ين بروقت يرا إلى الله الله إلى الديول الالاكاركا في

15 denteronitoristoristories مام تماد عاقماد ے اور ہے جب وقت اے اور ای دیا گا اوراک ا وأنا عوداً تهين الاعام من مينيا وسعاً يه محسیلی ۵ و در در کا مجراب آه نگر سے تراپ رفرا آن کی معیدی زیرواث 4 62 4 - 2 m Purt Land 12 1 52 4 82 40 Ruther when it is the contract

ورود كس ايا خنب في زات وكائي كا وَجنت تم رِمام يواهي مركة تات مك ي شدى الدورية. منين وزيد عرين ريا تدارك إلى في عكود كروز وموالك concessed inte front reste Liens Let y & short - Ward of Lat Course

ينفي الأي بليدًا ، المعائر ومنون و تم من ير عدا فايو. comostanos signites of susp الله بن التقار بال عن تعالم كالفيظ الداعل كادم العروا

زیادہ تھا ہے۔ ان اندگری کئی نیونکا تہ ہوس موفت کدے جي آسکے جا ادر اس دقت کا نستورہ جید وکئی وي کا مختصل ہي یادہ وارثر کے علم سے اوج نیا پیٹے کا۔

صيف . قرآب پرے بنام میں اور آپ ہوجام قرابط کے فروندروں منا دیکے منابع و . ایس فاء اگل کا مرحدے ، ورمیانی قرامتیں استے اردی پہلے بالا

المنافعة ال

مسمی و د از طالات فی میسی می دون این میر طالهٔ جودکی اس در درخان امل اعداد بر نظر فی در بری این اداره امل اور این این که میرسی ، ان اور این این میران این اداره امل اور امل این این میران این اداره میران این این میران در این این میران این این میران در امیران در امان این این میران در امان این این میران در امان در این در امان د

سیختی در دوستان سازه بیشتر تا این با بیشتری را این میاست. به زورگادهان نصیب ج ۶ به این میکند بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری از این میکند بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری در دارگزیگان بیره این بیشتری بیشتری

صور الآتان ما بنارا الانها المان وصورا کا بدائر منظر وول کے بدائر الانہ منظر الانہ کے دول کے بدائر الانہ کے الدائر اللہ کا الدائر اللہ کا الدائر کا اللہ کا الدائر کے اللہ کا اللہ کا اللہ کا الدائر کے اللہ کا الدائر کے اللہ کا ا

الگار با برست و در این از دادا زید خراج برگار باشد شد کام ادر باشد کند. ایر کام این سرک کند این این استان این از خوان برخ و افزان برخ و ایر این ایر کند و ایر باشد با می آنید از در باشد می آنید این می کند و برخ و ایر این می کند در بازد و ایر کند و ایر کند

درو: قروال میں بریک منداندے ہو میں اور میں اور بھا تھا ہیں۔ میں: بڑاؤندی ای بی اور ہے قریلے کا مادر دیکنے ہے سے درشتہ مدکر واراف ورست کی در بریاز کا خاط طاب اورست

رسيد الخريسة المسابقة المسابق

いっととけっとしいますしかがりがといるいめと

کسانتیهای نوعی کی آخریات کے بوشکان متنی ادارہ کا مسئون این اکا تک مؤلی میں تھا۔ بیٹھانا تیجیل مل جوالات سے حافر جیٹنا اوران کے بھرائی اوران کے اوران کے اوران کے اوران کی اوران کی کس کی بھرائی تھا کہ کا میں جو اوران کا اوران کی اوران سے بھرائی کو اوران کا دران اوران کا اوران کی اوران کی اوران کی اوران کی اوران کی اوران کے اوران کے اوران کی ا

ہے ، بڑے یا تھے کی جائے۔ اور بھیٹر ان واؤن کے اِتھے پر دیتا ہے گئے۔ کو میلے سے بڑی اس طاما علی محصر سابق ہر فی۔ محصی ہے ، محدید مل کا اور چند دور جنت میں دیتے کا اندر عرص براہ محصی میں شادی حالم کی زیر کی میں برجی ترسے و علے اور تر تا ہو اس

بحراص مالافعانی زمارت فقط ای دیم برایشاری جندی کے فاقع کے آبیست کھ こうからかっていいとうシャントラットライン ماست ونهت جي خابر يمالد جد من الدول در الديد كري و و وود اللي يعد الدين ال فعرضت من استك ديال .

الدين ال و الراد وعروى فراستان الل ب قرايد كا يكافتان الد اللك وج سيانول غريث سيمد لم ين المدت بديمانون فريقات تاريخون ままでのかいがはいいことかいんかいののこのこのでん مراك الكري والله المادوي المرارة والمارة والمرك إلى الميدة اي المستاكرة و د كافال الدواف كا وواف كالمصادود.

اللاز نے دید لایک دستان ہواں کے بیٹے بی دائی کا جمل والإ برافي الد العالم إلى والع ومالت من المراب على والع ومالت ال د واستره عيراً كما فاع الوغو بوني الزي مورت و تجيين كالوق الب الوثر كالميسكة يرك المجرم فت ك يك ثلثا تم يحى بور ...

ين ١١١١ أب يال كبائك ؟ 16162061381 JXX

· Zille denincie id والمريول، والس كريال عالم وورال عالم من والمرقب عديان كاليك

· 41465176000 ことのととはいれるからかんしい 1856 . Wash Brand & Stu. 13 7.84 1 25/20 3 35/11 1

Subant for White to the Control (28/06-67/K1203.00

المربزي وال ي مرفع كا والدي مع والاستنقات الدي كالياب ال ك دريال يى ماسدي -· 見いれるしいいかんしいはればる: 000

والم الله الله مورد الله وولي الم عدة فالترب ول مي معاكروتي ري _ مين د اخراس مي جنت در اي مين ما ناده يي.

المريزن اله وورد والحالات ورد والعلاكمعاع دراف كا لى دروالك ع فريد ال دورى كى دورى الديدة المدادة الرفدل مرات م - بدان كان دومان عقب ادار تاج الرابا

نسيني: كان كاكون الدهني بين ب ويمان قريني شا . الرجولاد وال وال مالوها مري أوال كاري الم عدر للناخ يد

كراس المرادي ده دادي الين كي التي إن -ميما ، وتكب عنه وادعا ين إ والدير درام يك ايك اليس وا من الين بي كما يا بيغ - الى بيك يدوي محرة رحقيقت كى يسل

كانحم بيزني البي إبسطوا ودطنيب كا اوا وه كده . مين : في الما ورياد يل الماك عاد وري كي يو ي يوا

والرجول: الادبين من كريك الريال يكني عال المعلى · 00 00 00 - 130 00 000. いんいいいんとりんいいせんひととばんしんかん

الادد فول نے ای وحشت انگرسکن دامیدد کوچو وا ا در شراصفان می کنی الإبنال الفائل مدور عدد المنافق الما فالحال والمال والمنافقة عركيدمين فاعدض كادرم ملب كادار الاسفى المعيني بروت عنت الدوى كا ودول كالدجية الى يورت الله といういかはれんいいというしのいんはんでいっちゃんい

しかるといびにかいろってしかんかりしょいかいか はいかんいのけんじんいんない しんからんしゃ د على كالا المال الى مندرتان على الله الكالدي المالية مكرت ي كون كرون كرا تعديد ب ي وقروب كرده اصفيا وي على مادوا のそんがなからながないといのでからはないとんとの : هت دوي الدواء اكثر لك فور كا داع يها ل يك كونت كاليرك إلى بعد إس المكراد كادرية ووولد مريكان تعالم يري الصب عدد وكاني ويست province deserve vostable poste صافت مى كالكرك كالدن تايا ، ومود اب اى ك دل دول ي كالكرك الماست الماد وادى على واللية اللية الله على مرالت يوال كدول فريب المدريان كا נוש - נוש עם קבי בל של אול שם ביר של של על של בי שונים ונו رفان کی فواب د کتابی دوشرطب می بنوادر بخراب کا این کا این کا و المارية المارية بدريان الرياد المعين الدووت الري

ين و الله المام فدى مرد في دى كيفيت وكول الداع いいればはんはこのはいかいはなれただけらい いしいうでもとかからんないましまりしいものは 14/1/2012 ين و الديره والدمشة خادد بالوسف د بال كادكا إ

· Free lost 1 1 bo de 10 المعادد العالم المراد المعالم المراد المرد المرد الما 一百元のはのため、このできなしとうこか ين الريواه جم عال ال ورستان في زياده بنين عارك قد المريدة

ہے در تھے بھی ہے کہ ان حالم فرار کو آٹے انھیں سے والی نا کھیں ہے ہے کہ ان اور کا آٹے میں دیکھا ۔ حسیستان ایس سے تھا ادارے وادال ایل ایس کے دیکھنا اور اپنے نیال کا کا کو

ر المنظمة الم

گیا۔ بے کسٹ دیاجارہ اگر چکن دفات ڈومشن کا نے آدامی کا میں ہوسکا میں ہوسکا روسان کے آپ دوران اگر ہی زا آرائی جوالی قری ہواں اولوں چھ اسکا جوالے اوران کے اسرائی بھی میں اوران کے اوران روسان کے اولوں جائے کے الروسان سامندی نے اوران سعید اورانیات

ر المستقدان الم

برهی ہے۔ سنج : - ایجانا ایمان مور کیترا ایک واقد اور استحاق ایڈا ہے والرق اس میجان ہی در افزاد کو میدھی ان در اراست میں مقا درگی کا ماہ کیشنا والی کا ماہ محیسین ، جلاک طور کے اور اور استحالی کا میان کا استحاد کی اور استحاد کی استحاد کی میں انسان میں استحاد کی است

کی آن سے شیادہ پر کاکہ انظام تھی ہوگی۔ منتج اسالہ انتخاب خودش کی واصلہ اندائی ہوئے ہوئے ہے ان فیرای اندکو پر پائین کے افت وصند کی کرنے ہیں جل کرنے ماہدی ا حمین زید انتخابی انگر کیے انتخاب اندیش دیسکا کرائیم کی وہ پائینی میں آئی

گوگان الکرونوند کے اور کا ایک بار بھارہ آئی۔ آئی۔ آئی۔ میٹھی اسٹی کے سابع مسامل ایک جو مارٹ کی اسٹی کے اسٹی کے اسٹی کے وی اسٹی ویک اسٹی میٹھی کے انداز میں ان کے اسٹی کی خات انداز میٹھی ویک کی افوان کا انداز کی میٹھی کے اسٹی کے اسٹی کے اسٹی کے اسٹی کے اسٹی کی اسٹی کی ہے۔ انداز کی ویک کی انداز کی سیسی کی رسٹی افا کر رسے کئی ہے۔ میسی کے دکھران کا میسیار میں انگلس کم سے ہیں ہے۔

مسيح و برگزار کام ميد ميد ما ناهن قرع به عدد ... گخي د و زندست گورک باشراک از جه ادو ترسيخ باز شرک اند زاد و باز ارتفاع شيخ ميد بازندن کام و ساخ باز از ما کار و انتخاب اداراي يد ايدکار کوران ميد خواند ميد از در ساخ به در انتخاب ميد در انتخاب کراند ... ما در انتخاب ميد از در انتخاب ميد در انتخاب ميد در انتخاب کراند ... کراند ... کراند

هما آوری بخش با خشود گرد به شده به می داد. می می این به می در این می به می در این می می به می در این می می در می

بها بها و استفاده المواقعة بها محافظ بها المواقعة بالمواقعة بها المواقعة ب

کیا نزدندگاه با بین ما بین این به این که کار این این ما بین که که کار این می مواند به می این می مواند به می ای می این ادارای این این می مادر می می می می این می می می این می این می این می این این می این می این می این می ای این این این این می این می می این می می این می

رکیکے تین کے حضت برا ادرا کم اخری احد کی بال لینے کے بے وضی کہنا ہے۔ حین ایس ایسے کامل کے لیے ذران بری قدا سے اس کے پر جانبات اس کے والی جدالات کے است م کوی وقت اس کا جانب صفیانی الكرار إلى بيراكان منتقدة الما يكر الكريون المنطقة المجاولة إليان الإسادات المناطقة الخاصة المناطقة المرجدة الما أكر الإدارة الإسداء والدكارة الأدارة الكرية المناطقة المناطقة المرجدة المناطقة المرجدة المناطقة المرجدة ا المديرة المناطقة المدورة والكرية المناطقة ال

الان المامة المامة المسلم المسلم المستان المساولات المستان ال

يستيم بويس مي الدور المؤملية من المديولية بي المواقع بي المواقع بين المواقع بين المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع المواقع بين المدين المواقع ال

او جمرة و تا بروبرس م خان دم مقده صحت و في أن في بخان في تا ا و عرف أن مين بخان مكل . برستند اكار في ما ليف خدف المدين كساكم أنه الان الانتصاط كه أما المواصف الما في في خد خرس م كراني و الان في سال المواصف الما المواصف الما المواصف المواصف المواصف المواصف الم معين المن المشارك المواصف الموا

میں اور پیشانی کی دہ فائے کو سند کی اور کی اور کا کے بیٹری کی اور کا کے بیٹری کا کا اور کا کی بھری کا کا اور ک میں کو کا اور کا کا کا این اور اور کی ایستان کا اور ہے ، کیا گیا۔ ہورے کا جھ اس اس المراقب وقت ہے کہ اسال اور کا کا استان موسوع کے ماری کا کا اور کا اور کا کا کا اور کا اور کا کا کا کا کا

الم الله الم المنظمة المن المن المن المن المنظمة المنظمة

ک فرج مگ ربیان دندگی می ای مرکز فرانگیرار بطی 10 اولاید فرویان بی مرج در به با با در در در این بیشتر فرد که این میشان بی بر داندگار نشان بی برسیان که در در کار میشان استام این می بر

المار برینام وی آی گفت یا دا گراندگس ایس فره در در پرے ان چرب کین ای نیس سکن اندائی ایس کے ایس کا فنان بردائت میرے ای ہے ادویان نیس کر این نیس کر اندائیاں کردار تک میچاکوں۔

دوارد مد بهر مودار. منظ در اب ان شهر انتهادت که در که دورد م تا تو تواست که تاریخ کم بیشتر در و رود که از داد داد کار بین ارد بناد بینی که ان کار کار آیات

سينين . ييسا بر جاهه بين الدين الدين المستان الإبهار المستان الإبهار المستان الإبهار المستان الإبهار المستان ال عن المراقع المراقع المستان الموقع المستان المستان الموقع المستان الموقع المستان المست

در از در استهامی که در این استهاده این در این استهاده در استهاده این استهاد این استهاده این استهاده این استهاده این استهاده این استهاده

المنار تدخ مد مد المناوي الله . معلى الالها : على اللها : اللها تعالى المناوي المناوي و المناوي و المناوي المناوي و المناوي المناوي و المناوي المناوي و المناوي المناوية المن

ر کا چاہ اور کا مریکان کی در سات کا گئی ہے ۔ وہندہ کا مریکان کی شاہدہ کا میں اور دو ام اور کا میں کا کہا تا ام انجاز کرنے ہے کہ میں میرکز انتراک و ما استدادت کا اعلام کو بھی ایک انتہاں انہی و انہیں مذاکر اور اور انتہاں م انتراک میں انتہاں کہ کا انتخاب کا انتہاں کا میں انتہاں کا کہا ہے ہیں اور انتہاں کا انتہاں کا انتہاں کا انتہاں

. کُٹا دکی تقدوری ہو تے ہوئے دک کرن بال جرنے اس کا داؤ چی تیس تبایار امایٹ عنين : من شك . ومراز فدونزل متعود من ادر حادث ال الادات. متضورت د كالهدمي الينس الدواذ في المدين اورام الول مح والوروال مِنت مِن بِمَعْ بِلَانْ كِلِيدِي الحصيرَة على جا وس كا عزودت بنين رجى . يكن いんけんかいらいまるいはいというないかいまます Little and the per wind on or plant. In ひれんきといりかとりのといっとしまからりんしんでとか وه گادیسی ادر استا مع می بی . لا اال کومیاد ی کر کر کورت کی سے عرص الى يا ملاق والتب كالرقامي الكريد وقل وكالعرب ك The interest of interes of الفي ا . المبلك قراط الفود فق بوك الدران ميكات البراك الى يكر 52 m. Stewn C. The Boyer 4-126 - 1468 ع الادوال طافي المام كافرة النائد ع ويد إلى المراد الدوال عالم فايد و اور عرصت الرائل ي من على الله المائل المعدال الدائل القرامات عماما الله والعالمات عدد الدراي مروافتال الل يرين. الاستفادا ل ك جاري ويصكري في المرا الداد الرائدة المداركة سين : . بحا عدد خدد مولا عب كالترب جدد ل عاك ددر ہ وطاقے بی ۔ اورای اطبقال کے حاصل کرنے کے ایرین ایٹ شیم را کر جا کا لی ہے

આવા છે છે જેવા છે. આ પ્રેમિક કે માત્ર મા

الميكروالدين في المتأكد الميكرون المنظرة الميكرون الميكرون الميكرون الميكرون الميكرون الميكرون الميكرون الميكر منظوم الميكرون ال

دومیت و اگر احیای و دائع ای جائیت خوانیا زخش را گر دهشت به در دومیش آن اده ای چذید از میجاند و احیای برنزی اعاظ درماید بی چخا. ادامی بیره این جائی بیشتر که ادامیت برن سیست نوان سرید این بر میتاند و این بیشتر کار بیشتر که بیشتر می بیشتر کی بیشتر که می بیشتر

ي ساكوے كادة اوفا ولك كووكل ماحق برك والكات جدال من م الما والله الشيك كالحاكم واحلى وتصاريط أوأى فرودس إلى ين جان الخوال ان وارائدًا مِّنا مُراسِدان علارة الزوى كفو سك بعديه التسب كالدافين des me infinitely the porte miletie はとかほのことはのそのだりなしいましょうことから عبر يعرَّى بن المنتسك بن جب كرديال ندل في برمات كى المعتقد فتا ك باغ ي ارتامت مرف المالت إ وقت لا الم عجب لد الل JE d こしらがらいのはららばしたんしょがとけるがと 4月×27日 11. 35270 34000 111 11 11100 كرون كريد عدد وبدروم الداكرة السايس ووالمات قرر جوزا سال و تغف نساني بدرنسل على أنّى على . فيز وه المامت كا قرقًا منت جي كاجراع بييل بوص ي مان کے مر عادد من واقعا معلق الله على الله مركال الديكا كي افدار الله さなめにしいなっとうこはがんこうかいんといいけ وخاول عام الزيد لديرة الإجوه توايا قا الني وي وروا معال ديور في العرب من دودن وات يايد المعدم احالي يا والنام والسندير وقت اور بيشام الدار إن يدرتاك . بعاشت عل شرع به تا چسد ودنای فذوح دوز كارعني فارة المسسارح

المستوارية على الحريجات الميضان منطق الميضان الميضان

در أوران أدا الوران أدا كم يا براه كم توست متاتوب للتخار . والموافق الموافق والموافق الموافق الموافق

からいけんしいいいこんこれをとられるいかかん

ر کوریتے تیں۔ وقوا کا انتقاد کور منتقلہ تیں ہیں۔ منتخے فراد اوکوہ حاصیہ ، ایس کھ سے کا پیواٹر چوک کے انتقادی کا پائیس کی مرکز شدیدی ایسا کا دور سے میں کے ایس کا کھیں، ایک مالٹ واقع اور کا عادہ ولی مال در بار انگ مالٹ مالٹ معاملہ کے حاصی میں کے بھے براز ایس نیس

میرستان به جوم حاصر میرسیوستان بیشان بیشان با بیشان با بیشان با بیشان بیشان بیشان بیشان بیشان بیشان بیشان بیشا و تا بیرش بیشان بیشا و تا این بیشان و دادار است میشان بیشان بی خوص براگ را و سے اینے کھر نے گا ہدا گی اور باکہ برائ امار کا روائٹ ہو کہ اور اسال کے اور اسال کے اور اسال کے ا عمیات کی گئی ہے۔ وقال سے جس کہ اموال سے اور این جم میا المالات ای میں مدد دکھ کے اجاز جب کا آزاد کو اور اس کا یہ ، نگا سے کالا اس کے اس کھی اور اسال کے اسال کے اسال کے اس ا محرکے جب میں میں کہ کہ کا اس کے تعالیمات کی اس کا میں کا اس کے اس کے اس کا میں کا اس کا میں کا اس کا میں کا اس

يسط - ديل دکس تين دهلري از يشانوا که دلد يه اختيا داخت ساقط هي ايکون هداچا شرقي باست هل کوچرد کامندهش که کهرای آختي ادا و هدر خديده ۷ جارب شکسد د و با . دو در این در داختی خوب کامندار سرم سينديش قر ايداز و ايل پيشه کهی ادارک

د دورا درج درج مدت ناویسید باید دون ان کار تران در عصاد بودند. خرج برای این کاری خود در دون و در برای مور بری مور بری کرد برای که این این این می میرسد : دار می این کاری کار در این میرسد در دون و در میران کار در این میران که در در می کارد این میران کار در در داری کرد در میران کار داری کار در اساس که کار برای سعد دون شیخ سال

ست با بررے دون کی است وخصہ من ہوئے انگر دواد بھا ، اور دونی الحاد دوس دان صین بیش سے وخصہ من ہوئے اگر دواد بھا ، اور دونی الحاد دور ان القدام تو ت کے جا ایک رکھڑا تھا ،

يسرنا محديادي وتوا

مالات زندگی | دارد ای این ادام به شدود کشور ایر هر مالات زندگی | دارد می مدود به ایران که شود در ایران که با در ایران دران می مدود در شده می در ایران می در می در ایران می در در ایر در از ایران با در ایران می در از ایران در ایران می در

الحالية القرواع على المصافية عدادة من المرابط والمواقع المحافظة المسافية ا

وربانوان آخ دهای شده در این که سال کمک این بر کسب نماید داد. کمک ایمان نداد این می می در این در این از دو در این بر برسد تا این این از داد. میرسدی رای در این میکند که میکند بیشتر بردانش میزاد این میکند. میرسدی این در این در این که در این این این این میکند بیشتر این این میکند. میرسدی این در این در این که در این این این میکند بیشتر این این میکند.

ر گرافزاری مواد که میدرگذاشته کار مدارگذاشته که مدارگذاشته که مدارگذاشته کار مدارگذاشته کار مدارگذاشته که مدارگذاشته که مدارکذاشته کار مدارک به مد

ار المراقب التي سال سنة بها المائل المائد مير عدم براتي أن المرافع ال

الموالية والمستقل من المتحولة المواجهة المتحولة المدينة المتحولة المتحولة

يه فريال . گليس طرق مذاك من مونيد كما تقتي اورسيسان كون ك تقتيبال جا ذك كاك

المن المنافع المنافع والمنافع المنافع المنافع

يد مكام في معليهم بي في متيس .

کے ایک مناور ہوتا ہے۔ آئی دائش کے اکتوان کی ان میں اس کے اس برائی جوجی میں اس کے اس کی اس کی جوجی میں اس کے اس کی اس کی

يستان المستقدان إلى المواكن المواجعة المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدان المستقدات المستقدان المستقدا

ولل طور وي تنظيم . مواد ويوم المساوية في المساوية بي المساوية في المساوية في المساوية في المساوية في المساوية في المساوية في الم ويتل قول على معاونة في المساوية في المس وي المديرة في المساوية في

ري توکوستون دجي يا ايونستون استه آپ تو دهيا سوار تنظيم کار نظامتون و بوکونا داد. مي تو به انگهندي مي ای حافث چه ايش داد تا. انتها را که درگای ميامش دهشت کارسيد . بر قر ميگه راي گارگهايش ميك كيا

ر الروال المراكة عليه المراكة المراكة

ي : يركي ذكري : كم سِند كونك وه الصفح (ودائين فالنعدي برود في ياقي بل جهان الرائد خداد كان كرد و كم المدكون بالموس بلق ، الموجوع كمه أو الحقيق إلى الن خالت مجهد حد كرد بدار بدار و كان مثل الناء البيد تقر ولا ينت كل كرف الب

جرباق بی الدان و ال ارسے برا کیا آن صف . میرا طال بیٹنا میں بیان رکٹل بول آنا ہی کہدے مجبول عندل اعدامی کے بعد میکد حض کومی ایس کے تعد میں آنادہ برگی ۔ اس سے برخوال بیدا بیٹا کا کھر کہتے۔

دوده آخر رقا نادو بر فسط مدور برق کسیده تا ها تک تحقیقی آخری این ما برگذاری به این ما برگذاری به این ما برگذاری وی این با در با برگذاری به این ما برگذاری برگذاری به این ما ب

پینسسب تا شرق کونیت و انقاق کے گیر ادارے ایٹے میگل میں جو ان جہاں مواد کا دیگروں کیا کہ دارکند جو دیشی نے دورونا دیگروں کا محاق باز سیامات سے شرای مدوریتی براڈ انگوں ک ہی دورت بھی میں میں میں دورونا کے دی میں میں میں میں کا کا دیسیار میں انگار

ા (સંખ્યાન પ્રાથમિક) હતી હતી કર્યું હતા કર્યું હતી કર્યું હતી કર્યું હતી કર્યું હતી કર્યું હતા કર્

الم المراحد ا

ر المنظل به وغير المنظل به وغير المنظل به وغير المنظل الم

داد دخال: " بِعَالَى كُواتِي برا يراح مدال كام دت يَحْكِيا بيد إسراجي لَد

یہ باشدی کرکھے اون ہوت کا یقنی ہوگیا ۔''تھوں میں اُنسونٹو گئے ول جرہ ک waster, Buchhaderenin themes こといしたのによりないるというという

Adombinion North · Kuncol Eight Kensender win . S. t. 18. Lug. 10 d 2 d. x De 27 . 38 p

こりとかんとのかいとからかいいっち ميت يد يد علايتين بريات الصال دول مواول كالترالان على وعن أن وي نفيل . يعلوم ما ان تليه كون واب مي التي كروية こというかんりょうしんいしょんりとっているがんない

ولار فال درا اللها ويحد بات كالدالي يل على و のからなんことのしといっからからからから ことがらりでとうしいかし يوز من والديناي بصير خاربدا براء كبي برغن كات الديد

SINGLE IN BUT - CHENNISTON- SPRINTY SIME OLD SIZELEV SAZOVANIESINE = 1/H 1 wo Las 52 of 15 min ير بخش و- والتي المراجع الا يعلى بين بين مين السالام والوزا فيس

الدعام كالمع الل يحل والله

يرَ مُنْ كَان مُولِكُ ور كان أكل نه كا المعرف والمال のいとからなるとしまることをもみんしいかか TO SPINITURE LEGISLAND Strandousel or Egg. involved : 387. いっといんしといけんだいこのはといといかがららん

4 150 Winh · 824 000 Ly 000 - 20 30 800 - 00 isternitusis : CUNST: UFAB

ر بر تعتق ، بر کمان ہے و مکنتہ می گومتی ای یا رامی کا کسسیال ہے ، ای واگ יותולטן בייעניעניעניצוצוביטוי برنكن ي ميسي مورت بولي . الدر فال و " مهلا يست الكرك بالنال أ

يرزعن وم الهاس سرك المراط واردا الفاسك أندوه ricity on U Life for WL Life E Ulino set on 19 - 18x 67. 25 2 5 2 10 - 19- 182 00 11 دات جرالای جاکوری بال مانے ی عی رت انکوں کردے ہر دى هى . خاتمت ملىب برگي على . بدك م بركيا تميا كيد فيات برگا كافيذموليار الى الله عدد المدري الله كالله كان واس فد الرك برائل في الولا

كيل اوالحاد إلى رات كوكي ويدو كالمراع كالدين ما تحركن والى على الدور ك . はっとしていかとこうこれをからからからからかとろ LE deright ducer, undiconcino كالناي ميك في كان عدود والدوال الدير المن كو فيدر على بل Jeliuni on Be depet wind Size يط الديد عال المع الدواع الدوس برعل المن الالال のはあるというのかりゃこいできりまとりはとしかん مركب اكسادا يافية كروامي في الزامايا بيركري كروي 100 00 mil 1 1 2 50 1 1 5 1 10 10 18 1 100 5 كريد على الما الله عن دور و الله و و المدوم في الله و و الدوم في الله و و و الله العدون العرى كل دفع ركونے إے دكم كال ١٥٠٠ والله وير بخش دول المراجد مع المراجة في التي من ما النس وب التي ال endocenorement 6. EL15-2-621 الوع داع كال كا إعد اللاز عم يُنَّا عد الله أله الله على ألم الله بچە بوكدايس مىڭالىكى ئامچە بولىڭى استىلى بولىدگنى ركز لاكتىما ئەنگى こしかんというとんかのいいとうかというれん يرود فال المعطيق الله . والتدون الوطون من موط ب جوا والتي أن المراج إلى

الى . كا يكى لاسكى دائع. الك مع والدي المار المالك كال المالك كالمالة المالة در بات تا ان ما يدة ١٠٠ الحيالة كيرانس بات كرما غدد.

و ب بیز کنه که اجازت صیب و الله الله عالم الما الله tosとからしいこときからなけるはいがからから

desire a finistate spire fort: かりませんいなきないにいといいかい はいれん るいけんかんとくというとくことのからいいけんと 上になるとはしたのではないまとのが. Bis of & of 1 · Verione いるとははいんこいりの

ائے برے ال باب کا کہ مال ہوا ہوگا ۔ کسے تری جان کو بکتے ہوں گے ۔ بس مراد صاحب، الله الله كال كول كول كرد الله يمادل عدك الماط الم ی مان ہے اور شکائی ارباد کے مقال الم يرى الله كالركاف المساكل المراجع المراكب المستعدد # W. W. W. TOIT ON / d Ulen and YUR St. T. C. 20

وك سرى أرو والمسك بالكريب الراب كام ت أروب والكاره والاه · Brisansky إلى يوري الي الركوبك إلى ميروعيا قبارك إلى كم ديكما قبا الركوا يك اشاده مندوده فدره واس كا- وولاكان بن ميراب اختياري وابتاب كان معلی میران کردیا دور می بنس موت کے دوے می و آگای فیل آباد الم ما الله المراد ورجود مول والدال ي عيد دي و على في آباد

المنوع دون كارب ترقفا - فرونا ودفال ال فوت سيكس مرا بات كا و ا عدد ومنوم كى جوار الإرساء ياكف الله دن مي المنوائي . إلى الأوى أي والا كالم المان على المراق المراق المان على الما الله المالة ة كا يسير كن كل وُ إو حق يرسها تصول مي الربعة . فكريتي ال كا وكرجة ارتباطة المعرقة وه منفن الدائل عن مق مراء يصعبت ي مثاني ادركمول ا

كَ يَحْدِينِ النِّينِ الكِي عِنْ يَجِيانَةَ عَنْ . الله ين كوي الري إداري كالسيال من مي الدي الما ما كان الما كان ل من من مول مرو ساعل من من من من من من المري سال . بار المواق となんいいはいでいまりょうことがからんしんしん

d. T. & L. d. L. & of St. of a Landow Sorre for all دين تعاددات وريدا درسودل كاس كيدوى د تفارك أدسى ويا بر الداري كالموادي ميدول داري كي نيز د يوكن الى داى دوياك مي كام ي الم الله والعل الدن المعراكة أس والس والمراوة عن عمد المعات ك يادي الريدان. يريدان وروا توان ويدا كالدان ويريدان روى بالق دى دائ براد بركار مركاس لا أى ك قل كي الدود والدائدة في عيد الدويل

وولا ياتناسوق مات كوي يخ الدوي المروع بيرو ميروي مانى يى د كى يى د كى يى مائى يى د يى د يى د يى د يى دى يى دى يى دى يى دى يى مال بسيد بسياري ترويين في ويداد كان عيد ي في في الأوياد وباير عاد اللي ما الله كالاددوات

مذير كى مختراى ورك الدكرى كى جدوا في دائ المراح ي المساكلة كى الى مَن است كول ديا. ليركو بابر كان ايك أو كام اكمن لا ريرة اقتعاريان الك اسان ديجية عنسيب بود . متر يسي دير عبراس ال كونفوى بن بداري

· あるとはならといりのはしのくいのである الافرى دول لاز ع تيراد والدادول كي عدى ميداد

يروى اى كوائلوى مي و كرند كافي در يوخوا بال كراب ميد كريا إ ما يهادي كي عبر يكورون من الدكران الاكان غفيت بوك رجب ووروي اس شيد كالاك محدوم وي زم ها ميت إد ك يس ك فالاك محاويا

· 6 4000 المعير عامي لم الله كالدكان وي بعب حسيمول ووريدون كالك كول الكافران في الدار ويجدا من في من ويليدا . الدي الدي الله

فونيسورت ال فنشر في در جريراتها . وقعدد الكال كالمراك عدد كال دول على دي دي دي ميرتنا أن العيب بول دوم وال الل وي وي دي عيب دالدات ك والت وود الل

وربر على في الم الكال الصاف على على ما تداورات على الله المسيدان يوالمسان عراد الأرى مريك في الما يا المان الم الدوك إن راج ولد ال عائل ك المدالك في بعث ودوك جن يا بالال تلك الديك الديك ادربان، ي اليون وي المران الم

رائد الله عدا قد را الله المالال كالمالال الله الله الله مرن رئتوا مام و آب محمد ر کون سازی رفقا و سرو باز رفقا میان بالله الله الله ودول الرع دول م كدونا ين ما عقاظ الني الزيام ك المان كادروا ده كفط برا تها . متر وى ووريد دينه مقا . دير ير ي يزمو كر درياً. . ما ما مى معرود ما دو ما دو و دو ما دو دو دى مى

. Bullois فافر ما حسيد كم الريب في ديكا بوكا - إلى ولم في الدكامي قريب يماكوين ك تما كا شاروسي عن رنك وسافه شمايي جارى عركم باسروب ورت ديكن دين - بالال كرا مي يالل سنيدتيس وال كروير سار ميل سوم به في منى الله الادرية مقدر كسارك حاج اكر فتا د والا - عدر عاد يا 2 5 45 1. LYLLE 12 12 5 C WAY - L 42341 بوغ كالان ين مادى وعاهمال لاك عالم بالأوي النين . يتل كار المنت ال عشرير البنان لاساعة عروه لكندان ولا كالمورية خالول عدة عالى

ياد بعد بشكارى كالمام فا كابن راجل بي . كان دول بدير التنقي بالدان تشك منا براركنابت ويجاد الإدي جي -العن يكس الحالى الوكود الموالة بعال الحاجة عاد يعام المعالية على المعالية ・ほどのなるはははいいとなっとんりしいのである. 5 - 0 / 5 0 " - U 5 18

2 00 - 1 - 1 Wall 1 2 . *122 ... 20 :180° 36

فالم ورا المحارج كبال جوالة

مركان دويك بركم ماجر غدائية ماجراد عدك والطفول لايدة

ين و (د کس) بنظ حد ... نين و خا د سے په گوکهان ب) مثل مدے چي کئي بر دفيق) بادگر تجو کان کئي بي مثل د : و (خ) سے اس اس ايک کا کي ج ب) -مهم د : چيس اد : نظام د آ مهم کان موضوع دونا کي لا ما د : اکوان کي -منظوع د - اينا کان ان مهم کان مير موسود دونا کي ايا شد . اکوان کي -منظوع د - اينا کان ان مهم کان مير موسود دونا کي ايا شد . اکوان کي -

می - امیران -وقر - مین پردم قدیم به مین میروارد که کرداد در کار مینی د اندان در امیروک کار بر ترقی اماروی کی از دروی مینی دادند و امیروک کار بر ترقی اماروی داد در مینی مراق کار در اماروی کار بر ترقی کار دروی

زار ایور کے افوارس آئی ۔ وک امراد جات ہے ۔ کا 2 جا جد مرتبے ہر کئے ہوئی کچی ۔ واسینی امراد صا صید کی بھی اس کے بعد واسین کچھ ایچ کو افوای میں نے کیلی ۔ ایچا ایپ کا کھاری اطمارات

که کی رو باقد وهو یا رخید باش مودگا . آخا و احداد می شد که اداره باشد برای به بیشد با آزادی به سد کشور با رو بیشد با آزادی به سد مشود که باشد می مود مشاول کا در انوال کارور به بیش به بیش بیش بیش به در مدرس ده این میرس در دادی در در افزایش و این برای نیز بیش با یک و بیش دو شرک بهد گل در دو در شد که با چان که در بیش به در این میرس در در شد که بیش

المن المنظمة ا المنظمة المنظم

الره ميش آباد تلسق عديت مع كاس بدكراى ومان مي الحديث المديدة . وورموم بالمان بجيري كاكري ا وداب مي را افرق سوم م الب فاقی باز صورت کی ایجازید سران قدیم کادر ند نظانی کرتر خوان کارگری کادر بازد میرکنی به به صورت آن کی ایجازید به ۱۰ کم ایپ کانیند؟ واقع بر به برای کانوازید به ۱۰ کم ایپ کانوند؟ معاونات ۱۰ کارتا کی بسته که ساخته اماریک برای کانوند؟ واقع برای ۱۰ کارتا که بسته که ساخته کانوندی جموالی کاناک در برخوانی کارکاری برخوانی کارکاری

ن در ان به باده بوشهر برکه میواد که ان میوادی که مادل پیر برس مان اکتراک برگ مادل مادل مان مان که از ان مادل میراک میراک که

انعین کی درید بریش نظرائی ایند در ان بریا آند به رویش با خد به در بازی با آند به رویش که که می دراید که که می میمان درید به این اواد و افزار می از داد صاحب این او داد با حق او دری وارد. و افزار ما سب رویش این به امسیدی به چرکزی استفاده می می کویش تر این مادم بری که میشی تر مین المبیلی میمانی براکسستن "

همین : جمیل بی بی تا بین میران سین . مادر کسمتی بی این بد . میری ای مردت آمیدی جدال بد مقابات مماک ای کاری بید برات و این ایا مال برای برای سخته اما ند کهان سید موری کارواری بین . دریای اور شده امان . ای آمینی ایر ایر م دکسیاکل بیشود بی مذاب آدایس این مقال کا

لی ایکنی ایج (م کشیه کل بینتشود بین حذیب آدیب یشن مقلی که مسیور مرتبط به مرتبط که اینان وجید کهن دواند کی مسیون و افزام امید بران مجرای مدیدی که یک شدن نیز بردان بین مؤتر این کامی می تین بین مؤتر این کامی می تین ۱۰۰۰ می این وال ادارست شنا تخار معادی

يود . رو الا براد المريد المريد التروي . ميني . فرب براد الروي كاري من جد اس كريد فاصين عراد

ي و دوب در ۱ مرد او دو کو خو جه د ک عام يو د ي د ي خود عند کې د مرد کو او محد د ي د در ي د در ي او گو د ال کې او به خون د د د مود کو د د کو د کو د د کو کو د د کو کو د د کو د کو

ا سائل و مولای بدل جین اوائٹو کے بدیرے ہی پیوائن پلے عدائی کرنے کیں ۔ معنوز کی اوائن سے الکے ہ استادی - ات کوئ -<u>تاثیر -</u> خال صاحب یا خاداللهٔ _{- کا} برب مان -استاد - کوئ و ب <u>کانل</u> - اور مجر کرب کوئ ک بے کے چیتے بی کوئ کو سرا کے میں گا

علام الديم أب الديم المراب على الله المراب المرابط ال

الاستان میں ایک ہی تاکہ پر ہیں۔ طوا پر کول گہوں دوئے ایک کھی ہوئے کے گھی ہوں کا کہ کہا ہوں کے گھی ہوں کے گھی ہو میں باتھ کیے وی میں میں استان کے کہا ہوں میں بھی ایک ہے کہا ہوں کے گھی ہوئے گھی کہا ہے کہ اس کا اور کے کہا ہو کے سے دارا ہم پر کھی کا میں اس کے کہا ہوں کہ بھی ہوئے کہا ہے کہا ہ

رستان کی دیست فرید. پرکر کے اخر کئی کی دو میشود کار خانم فود قیر دینے گئی۔ چند دو مرکب میشید کی دی میر کرنے واقع کی پرک و کید برگ دی دائد پر انداز کی میکند کی میر کرنے کے اگر دائد کارک کی در دو افزار کارات در میکند کے دعور مرحد میں کے کہ کار فراد واقع کی میں ایا منازی کرک

د منظ هر جوم جومت که مختاط و آن به فاق جداً استاجاً کرک به منظم جداً استاجاً کرک به منظم جداً استاجاً کرک به م بعد منظم با من خطر منظم جوم که منظم خوان استاد کرد بی خطر کرد برای و کار کرد با منظم کرد کرد برای و کار کرد برای و کرد کرد برای منظم کرد و منظم کرد و

ه تم أو فوران بي الجافظ أند في الوقائل عمد و الدوان كالم رايع وقدان المساوية على المدان المساوية على المدان المساوية المدان المساوية المساوية المساوية المساوية المساوية المان المساوية المساوي

يني المستمون على المستمد و المستمول المستمد المستمد المستمد المستمد المستمد المستمد المستمد المستمد المستمد ال وينا المستمون المستمد ای طائری انسان کی امریز بشیری کستی را در این است مساور کشود که در ایستان می ایستان که در ایستان در ا

ا مُشَاهِ با يَوْدِت فِي دِرْجِها فِي الدين كالعِن كَلِكَلُ كَمَا كَا اللّهُ عَلَى كَلِيدًا كَا الانست مَنَّ بط قرات وي وخدار سان كه ودن خوشه ويوه كال ويا كده هي . ويك دين فرصاحب كرماين فرمان مع كالحاوي مثل ويومت منصاط كل المستان كالمنظرة ا

قان اصاحب نے ہر ای کا کھایا ۔ جس نے ہر ای طرع کی ، اسا دی ہم ہم زمز کے خان صاحب نے کور کے دیکیا ہم ساتھ کا کا مذر دیکھنے تھ اعمال نے موقع الاسام ہم الاسام نے کا میں اسام کا میں اسام کا میں اسام کے اسام کا میں اسام کا میں اسام کا بھی ا مائز کا اسام ای از باتی کا مارہ کا جس اوار وجیوت سے ہے اور دی موقع کے ہم میں جس کے اسام کا جس اور موجود کے بعد الدین

> مستاد ، آلول » 26 ، جهجرای : قرن کیاکی عنا به آستاد ، آمیر کی ناق کاکین جنی » غانم : «جرک ناق کاکین جنی »

امستاد و : "کید تجھے نال بنی دیا " ... این در از دو افغال میش ریا « این لیے بی نے دوادہ کیا یا بھر می این میں تھٹال میں ریائے ہے ۔ کیا ہے کہ ایس کا رواع کارل ان کا و ل انکا میٹر و سے ایس ایس کا مجارات کے مساحت کے دو کا کی ڈیا کا دو میرے میز باز مثل کا استان کی احداث کے میست کی میٹند کے جو بی کا فران کے جیسے ہورے میز باز مثل کا استان کی اصوات کو میست کی میٹند کے جیسے کی میٹند ہے ہورے

گردگ مي بات بيد ب - استادي اين او ناک بگفت ته اود شخ اي بيدي - اس دان سه ناز او از اين که ميت يي الآو دي . ايک دان ايسا اقلاق مراکز ميراش او دي بين . ناوي مي موجود يي . دي خشادي سه چها گذشان مي کول سه يا استادي »
> م بنیں ان پر جرناصابح بی طرف کی المرت محصیہ حلق وہ کا مجسب یہ آموز بھی تھا محت میں موجہ کا زیران کا معادل کا المان کا الم

جي الإنسان مو الإنسان عن الحرافي الى الى ي و م المتأسسات بين المدين المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات ال كي يتأمين المتأسبات المتأسسات المدين المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات الم يعيض المتأسسات الماسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات المتأسسات

المن المنافقة المناف

يَّنَ سَرُّهُ وَالْمَسَانِينَ عَلَيْهِ مِنْهُمَ الْحَالَى الْمَسَانِينَ عَلَيْهُمُ الْمُودُّ وَالْمُ اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْهُ عَلَيْهِ فَلَا يَكُولُونَ لَكُلُّ اللَّهِ فَلَا لَكُلُونَ لَكُلُّ اللَّهِ فَل يَنَّ عَلَيْهِ مَنْ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ فَلَى إِلَيْهِ لَا تَكُلُّ اللَّهِ فَلَا لَكُلُونَ لَكُولُون يَنِّ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ عَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ فَلَيْهِ مِنْ اللَّهِ فَلَا يَعْلَى اللَّهِ عَلَيْهِ فَلَاكَ فِي اللَّهِ عَلَيْهِ فَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ فَلَا يَعْلَى اللَّهِ عَلَيْهِ فَلَيْهِ فِي اللَّهِ فَلَا يَعْ فِي اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ فَلَيْهِ وَعَلَيْهِ فَلَا يَعْلِي فَعَلِي تَعْلِي فَلَاكِهِ فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَلَا يَعْلِي فَلَوْ اللَّهِ عَلَيْهِ فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَلَا يَعْلِي فَعَلِي اللَّهِ فَلَا يَعْلِي فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَلَا يَعْلِي فَعَلِي اللّهِ فَلِي اللَّهِ عَلَيْهِ فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَاللَّهِ عَلَيْهِ فَاللَّهُ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ عَلَيْهِ فِي اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَيْ

التي يسته من البرائل المنطق المرائل المنطق المرائل المنطق المرائل المنطق المرائل المنطق المرائل المنطق الم

در حقوق المراجع الإصابية المستقبلة المستقبلة المستقبلة المستقبة المستقبلة ا

مِنْ عَلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ عَلَى عَلَى اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ

یہ آئی ہے کیسمور ہے کوری پرمشن باکٹیل کے دیا وہ دار لوگی ای ہے گئے پرملک منصب کا آبادہ ای طی یا قومی ای دیاہ ہے بھی کر مکن کا کھے کہ کچنے تھے ہاں اوپ ان ہے اور اس اور کاری رفیادہ کھے تاکیل کی تھے۔ وہ کاری بھی تاریخوں کی تیروں کے کاری بنایا بدائوں کا جونے کا احداث برای کاری ہے۔

ل ا قداش كاركي مي ذال دي . ايك دان مدى ما صب ما زره دب تق معزت في ان ان او فرد زهی و ترجی نانی چی تهر منسد! داداس احتر چیز به بدون وکست (یک به قدر یا قد <u>امیرا</u> ۲۰ به بدوگیری شدید این و تحصیل با این در تحصیل با این می رای از کام در بری انتها و این می این میان انتخاب این می این می

والما - فراب في إده قام روا.

ار به الرئاس المنافق ا من إلى تلح المنافق الم

رود موسوعه بين بين شيخ التي المستوان مي الأساء التي المستوان المستوان التي المستوان التي المستوان التي المستوا الما يجل كم الما المستوان التي المدين المستوان المستو

جامعين ? ئىجادى كى مەركىتىيە : . ئىجى ئىلىمانى كىساخىلىن كەنجىلىدى . ئىم كەج ك دىگەن :

یکٹی : ''جھ آو گھر ادریک : '' مودی مادھ ہے کہ اپنی افتار ارتفاق میں ایس کی گئی فدت روید به مودر مثنا جائج کائی رودی حاصر استاداد آوری کے میں۔ وحود میں مونکل واجسینی کے بھوائی ایم تشاق کالم ورایک ما قدار انتظام کا دادر مورید کے جائے کہا میں کینے رائی میں نے واقع فوانمانان

منظیم کی طوح که خوانی حاصیت کے بنایا ہوا۔ کاربر فارس سے افزادہ کی کا ساتا تھا۔ ماہدات والدیدان کا کار رواح کا دیکھوران سے انداز کی بیست ان کارور نے کارک کارور کے اندازی کا دیکس کارور کے رائز مر سے انداز کارور کے کارور کا بات کے کوئی اور کے شد کے داکم مولیاً ۔ کے شد کی داکم مولیاً ۔

گورون کا دوریدی می که که وزیوان شایده که سه دوکهای چا بوش که دی چی بوراسی که چوبی کا به که اندانج بردن که چه دیمال پذرص لدال تنا. گوم وزشکستانے سے اب کج کورا آنے نگا- از کا کا ذکار از ان کا تا زیدت

" 36 m 100 2 100

اراد - آ اچا اب الدوى ديداق يود بديرى مركا شت كوال

الموا . خال كيدسب براقب أب ايا تقركية . الراف و المحافظة و المحافظة ا کری تھر کے لیے کمیں کھنگ جانے ال کے بعدموق صاحب فاصد کھا تے جاتے لق مال والت يم كو الصف على من عرايك الك كروس اوريم إلى أك الرمادك الس الى جيوى كاكريد في براون في كيال الروال

ما و. تا طرعادات مع درمضا بال وقد بالدر الوا- آب يون كاع مقداق إلى ا

وا - قور منا ماحب ويناد بال ي تع عب سيل ال ف - E 80 / E 801 18 0 ST امراة - خدائے اس سے آھ کے۔ آری با ، جمر إلى افوان كا تعربيس

عالم والعداب الروع كي عدر والعدال عدد عدد عدد عدالت برق تسقدن زيام رميًا مِمّنا . ينجوما حيث في كما - افران كما ذكل في وشور - اوروه مر الاسكال در كناوال -

- 12 2 Silve 1.341 دي . كانات يوليل ه .

- - - - 3/1 رس ، والله كر بخت كي أرى برب بي أو يا مل .

- بدلاب مي عدل ي يحرت باق 1861816531 Miles مراد - إن كا شركا عدم منا صاحب . حتين وعا في كو أو يما ع

121301-6-191016 186 32 57 of 66 23 51 · e 14/1-18/2 / 200 یں کرتی ایا واقد بنس اور جس الا بال مدوری سے . أموا - آب بي طفو كي ال كم وقي شاي عد وكراب على عروضي من بين جوفي وقادا و في المعدي

a division of مجروه مأدكش مخر مأوآتي

امرادٌ - ہے میں اب طبیعت کو دد کے رجا ٹال آئے گئیں ۔ قلے ا -26-2413 - 2026-10

الاق خال ع جوسات ركف س اب دیم مشددا یی کے اس کا يام ألمُ الوحيب ياد أني والله - والله . الراد عال كما عركما ي .

الإذبت بير -

وملائ المركاة كالمرسال في ودو دور عارة اللي وي أن ははおこいのこしゃきこことかりとうちゃとういか كاميت دى . فام نے مدر ول كول ك عفر لقيم كري - ال ا الا ك المروب يمام الذفاح كا الوق لا كامل . وكي زيونا ـ فرقا - في سينين بيت ين كرى فاب دوه عنا علا غط الله كي تطوي على الما عراد عيش كا قري كيس شين بزاديد عراب حاصب كرار جر かりとうしんりのししいしい はんりとりとりという

دی کرمشد اود الده کو

الدولاك سيريا و آق يرُموا - ٧ ما شا والله - طبعيت رورول يرب كون رم والبياب

3101782 = = 0

الماد- اعلالمتابيك بركالافراب عدراما

. أموا - الإل - كاكاف تكادات اودكما جوف -

31 0 1 10 0 1 Kop

يم ك كليد سه الله الله مرويون ولي إد آل

وشت دهشت کامیر باد آل اليوا - يا مجى معلى برائيل سه .

كيل مين أسس بغرؤوا فأ

سے ہماہی ابرہی گلزا رہی خراب بھی ہ

ومدين بو گرافاناه شاري ب

دُنوا - يى لاكتابول-كنبيت أي ورت رب رها يطرس

الريق والا وقاعدي وأب الدولة وواكد والمراقة

كان تأميد با وآنا- بسراندًى شريء حوم سيري أن مري تحدل

color to St. F. Buck place in F B S. L. L de or

اماؤرسه يوسش ومثل وطريا و آل

المائد المناوري كافت الناب عرفتان

يكة اورتعرا منا مقته ومما فاطروح كهنا.

ياشقة.

Willick -

امراد - ای منس - خراب کے ذکر کی ما ا فراع . 12 13 X/ X 5 (3A) 2 -

1225-106

14,5,00

بر چذای می آپ بینا کی دنین باز آئیس که ده مراجع یا بیشر « دسینه و م

ک می خود کارے متر کے آفاجہ کا وصید جمودی کے بارشن کا دوکر بھیر " رموا سامیری جم فزال اعلام ہیں تم گفتا بائے کی جوڈ موت علع

عالی اماری ایرانی * متنفل جرمنانے کیا نوب کہ ہے : '' وی اس درموانے کیاں نے ویکست جناکے کم وی اور کا کہ ہے : ویکست جناکے خطر اورانی * وائمی ویس کہتے کی کس می آیسے تحقیق نے تامی لطف

ام المراحية المراحية المراحية على المراحة المراحية المراحة ال

رمور م کو آذاندستان کی امراکر کیاچیتا جوند اگران اوراد زیرکس آن کیوسب داری ایام منت برند عمود ادانی پید فرم میں بائے ہ

رحين جائيد يد امرة ما الله كالروض من المحدل لا بالد السال بالا به إن أب ل

بهای" رمی - " دچا رجی از آب کیوخش او آلک سربرا وقت دختانی کیکند موجوع - " مورک برای این و تیجها و یک گاه" رمی - " دو کاب کا کیمویی "

مین ۱۰۰ ادوای سیک کیمی بی ۱۰ امواد ۱۰ شاخص از از یک نجی کی کان بین اراز دی کولیک شا وی ۱۰ میز فرمیدستان در بازی کا کوک کان شاخص این ۱ سید در این میرکدان بید واقعیت چاک کم چدادان کا درسدی تومیدی یک کم کر

من من المارية والمسائلة المهارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية المارية الماري من المرادية المرادية الموادية المرادية المرادية المرادية المرادية المرادية المرادية المرادية المرادية المرادية من المردية الم

ايوا . * اور کو که طرو او تين ہے ؟ * موقو * * اور کو دنیا و چيو ترت ! مود ره مير کو ب و ديوان کئي . ويت کيس سکل پر کان بوته نجے و که تا؟ وروز * ابنين سے : مثل اور "

ومي - الوجا كم المعاطل المحالية 10 ياركون وكان كم ال الوقو - الرياك الخواصية : " وكان - الحال ما يساد المؤل المواجع وسائدة الحول معاشد المنظمة

نمې يه ... امرا ك د م اجعا ايك والد بم اور أب دولف طين مال ديك اشداد ياد آيا.

و معدد به تاریخ به مده آمریزی چه سرید آمریزی و با در بازی بردند برداری بردند برداری بردند برداری برداری برداری مده برای با در است و این با برداری با بردار

را براحد استان المرابط المستوال المواجه المداول المدا

المراقعة المستوانية ا

ود تين والمل يمك معالى إن إلى راك كماك بين عِنْ في كان الرفية

معالى يعنى بن يو ملاهد يك تام كالرى فاريس تفارو لل كادو

ديدوي دوكلي في كا يا يا عدد الدوي ع دا ما كا تا

در بینیا به بر برا ما دولت بینی سک به برا می است به نام نامه بینیا بین با بینیا میکند.

م می شده کارد ایک کمیس می ده میسیدگی ای دور تی می شد که به کند سات به کار که سات که این می این می این می می ک کی افزایشان اور کارور این در دیم اداره این می بازد تیک برای در بید که کی این می میکند این می می کند که این می می کال افزای که می کند کرد نیز افزایش این می می کند که این می

الحال الله كله عليها المستوقية علمان إنه السيار أي ياده بهترا) عماء والعربي مين كم الموقع المستوقية عن الموقع المائية الموقع المائية الموقع الموقع الموقع الموقع الموقع الموقع الم عمر وقد الميطلق الأمانية على المؤلفة الموقع الم ومرقع الموقع الموقع

ار المراقع - الحرابات المصمون كي يعين المان المراقع ميركن عداري م الدوهن آدودكي وي موالد 1971 - المساور عراقب المواقع المدينة ويضع - إنتواج كل ادرياء مق عد معاقب المحاقق المراقع المواقع المساورة بالمساورة بالمواقع بالمساورة المراقع المواقع الموا

حرار به بین وی در میران می کاری کاریک اولیت قرم ند خانی بردند و در این این میران می داد. میران سروی به کاریک تیم نیزم برق می ، خوارت دکستان برخ خانی بر میران برای بین برق می ، خوارت دکستان برخ خانی بروز بردن بردن بروز شرخ می ، نیرد این نیز بردن بردن میران میران بردن و میران میران

رالال كانتيار الآن مي : امتيار المنتيار مي المستوار في الدوك مي الدول المنتيار المن

نها دی در گلی در ده دک کابی نی فرانسد در نظر تشدیدی و بی گلید از فی بران می کابور بر زاندن در اند فی همای که فی در سدی دی می این در گلی کابی در برای این با می این دوست برایدار میشود که بی می را مسابق می کابی کابی میرود ان کسیسی کریمان می کابی در از این می این در از این می از این می از این می از این می از

· 100000

دورة بنشفادستانا وكاسادو كاميب فقالهن وفوا يركا ببيت مي فوارت 2 88528 امراع يه ايدل الكري إخاء كو آب بني النفائد الكري المعاجرة الم قد ما كا في ما والمنظمة المعاملة المعاملة المعاملة والمعاملة المعاملة ا

Buch

L 2 Ledsenor 3/20 Re welled ارزا صاحب؛ كي محريكة يوك كيم ولا المع والتداور الوالع ع of the State of what is the pour with hotel from & of asic by low all the desired

ال خلياتي كوما شا تقارم من مح كمت عنام وكان وديد كمال موس مرايا よいかかんないはないからかいかいかいとことはか عد مني عوم كان عديد دور ورا قنا ود على مرب وال كدوا مراويل Les for Loration とおといけんはらられる will entede Libert of 30 SE ووروم معتدى كالم الله الم الماري كالم الماري كالماري كالما دائل ادرار عن درخال تعاد الروم درك بي بول والد ع بوري الكاري

نين أل بدل يمان تيزة بيغ يكان .

الك شاعره ول يراجه كرك أل det King with Up رمات کون می گشا اسان رصافی مرقب را فی کل وحاد اور وجار رس المع الم المساع على المال المال على والمع المال الم ين كالدي بيل بي مون لاف عدد عدد كالمراق بي بي والحال

· Larura fat for grower いんことのいいはととしいってころでかいい المعدد المدين بولكان معيرى كمطرى في وفات فايدى من كال بن المن مناويد ول يروال دري بدول ي والا يرويد الم المن معدد الاستادات مناطات الدين معدد الدارة ع كانك يمية لكيال وع ليق يول واي عالم ين الله لك الأوا على م سنوم براكيصكى نے ذورے ميرا فتر كا يا . يرى عكى بدوق مذ عالية

do For Nonting من كرورك أمونالها برقي وو كمان علمات خافرمن عقر تعاري على ي روسي و دوليد ي بي تشارات ي يي بين مد JIC 800 Ld 82 WELLE

ريود - " د اللي كشي ك الرصوم على بر كالوكون ما تلك و" المراكد فيراب وافية والمائي عمائية عدى الدول كالم الدواه والمين الداكس وروجب الحدياد الكريد

رسما - ميك د النهائد الدى لامارى اليدي خاك مي الأكيل العالي

تيس دار العاطران فرنا ديا ويا بصد كدموا مي د تها دورا فيام ك دو مدمريان الشايده إياء よるんだららのからとしととかかっといんあっかり الدولان كر أين س إك مدر الصدور كم صاجرًا و عال الم ك

لي تعدُّ من تشرف وي وي الله على والدوووال كالتي はこととうきとしゅんからかけんしといんいい دوز بهان آگرا تھے دے تعربی لکھنے کی مما نگی۔ مکر تاسقی بخاص طاق اور ڈن عرق من في و في - المرترف داشر في عدا - داشر فلعي كي في عند كان الماد في الديار الكلوية بالديد في عا . לוס אוים אוליים בל לים מונועום בילים בי בילים ביל בילים לים

ل دمن تنع رم تے تھے اس مے افرارے ور افران ور انس ماحب و الله 4. 3x 007 2 012 14 56 5 5 10 518 565 22 12 L منا على ويقول عدل كالدر اللهما الركا. الاحى منشرف عرف ساجر وكب بنا الكارا الكراب عن فاجول المحقة シッとりといいでのからかんからが、といんしんいしん لك يشال كم آوادي المشكلة ما قد ع نشكه بعرصفت يومون يقد كر آ س ا عَدُونِ عَلَى اللَّهِ عَلَى مِينَا مُنسَاعَ رَبَّا عَلَى رَفْسِ الرَّبِينَ مِن اللَّهِ مِن الرَّبِينَ مِن ال المورة و من ال ومروكيف بال و حداد الدي من والله من والله من المالية Almoster on Vakhaza transfer Varda John

上記しかんないいしいからはな اقل لافوى طبعت ميت رسائل دوسيد والى ساب وماطت وري وريان المريد الديك الديك كرون بررمها في موالي المريد يرتكن والد ى - يىنى ياك سەدورى ئايدىكى ئىلىنى ئاڭ بى ئىلىدى كىنى دارىدى いいれまんりはいいからなるしんしょいこのかがけんけ 1. 30 - 10 China 300 - 1000/100/ Land العلى يقام عراء طاء أيديد العرائض يميك إلى-

いきころれがしのかんせんいいはからいっという كالمراكدة فالمندسين بالماحل فقارطي وليية بي يحار الكال فقاء 2020360000. #286000000026 المارة وكاور تعاريب المارس المرتبي الدارة والمارة السكمناديد فأسف أفاخر ليف كالماس الخزائل والخاع والمناس いまだられんなのでのころいかとりアニーリーとというひ さきりとけいかんいいき 世上はいいいかがしてはる 22/00/ de le 22 x de 1 de 2 31 وفن سے برفل وفق دو پرجا ؟ القادان كاداره وارى الا مقال سے

المعالمة المستقبل ال

المنافز عنادا المنافز كراني أو استركي أو ارساس كرياني في المستود المنافز كراني أو ارساس كرياني في المستود المن وي النقط المنافز المنا

تھے۔ بہدا ق سے کا کا واصفہ درقت گرگھردا ہل کہ فرج دیشے تھے۔ میے دشام کھانا خاخ سے ماحقہ کلیاتے تئے رکیوا خافرخ اوائی تقیس دافور کا وروز ال این سب

مرزافرصت الدُّبيَّك

ا واقع مجاد المرتبط المرتبط المرتبط ما المرتبط المرتب

Land of the American Conference (Conference Conference Conference

م على كل. همين الماكر بروابر ذاني مي لد سرابر المارد ، فا (الدارا أن ال كاست سائل قيس الحاجمة أن الداركة ملك قيل مكان المار المرابر وإذا كما ولد خامكا وكان الماكمة والداركة ووابدا بركان

كالدوعة وتفادى بالكرم واكرميت فراري يب وارحق سب دی ول ال قاعدہ ہے کہ ایس زائد کو بنا بنا رکھتی ہی ایسے شفوے بهت ل وه الله يرتب وك قريد وبد كون ديوا قداى عدل ميدا. مديد علف لا تعرفات والص عناول كالدك والدكام الم dienstructo La C Extent total of Cora, 18.かんしいのかかいいはこいかんとからんはるんの ووں ٹاکے کا تے ہیں ، متوصا صب سے مال کے جاتے ہی ووست اشاؤں سے المراض كر قديقي ، واكث معلى الله على مهال با وشادى بورى ع -486 is only our of I year of our Leaves point westing that profitable and the with Light الردستان مود عياة تاري عدرون كريا كري راي كا وج ساء ع مامين حقرون والمناس والمان والمان والماكمة ملے الکی وس امر عاد احد برق ابن کا عدامت ال کالف الد ما مل بو تا ير دووه باري بن كري وار كر وارت في دوم ناورهان مال ك ال الا عردي على ينظره ي عماصي إلى ال كارا ل

بلاغری دو تو بوغ کرمی که پسی فرخ کا با شیدگا. کافین ان مصنب درج بی اگری مید که کراری ای آم می ایستوند. فهر که بانکه زیجوان می اواقات را میدکار باشین می میساند آدی آج به کند وی دی افزان کا که ایک فرند فرد و کاروز و باز و تباسی و دانشی نیز و کند کارتا با رساند

مين دل يرنبس مرتا . ي ما منا ع كاتم عرا مقال يدف ماتى . يكن واست وديادك في ورا الله وي المدين المائد والمائد والمائد مى عالك يوكا شقى عاصب ووست في الارتيج ادعا حب يرمعل في منفرق والمركال كيل يركي والمدى والل - استاب ي تلف الالالال وروا مع المعالى المالة المالة المالة ماد ماد ماس قل والله 上げいとしかんかんかいいいいられるとのとのかくいからなり outhorise Lardie Loturis 12 84 87.8 و علام ورواعد الما و الما الما على عد الما و الما عد والله العي لورك على بوا - ناكل كالمعاقت تاميكي في أ-اب كاتفا عالاى ふいんがこりたことがなんとくいととのからこれらいか ويا الديك شعك وحولادة كالاتحاد عين غلاق كالم علاه こいではんがんとれてきるいんかいんしいっというと ال جل سع الديد مكن لك روى إلى الديد المناس الديد الديد المديد ووري بالرجع ودوا زول في شيش تق رول إ كاخذ م كا و يا جيب دول ك الرام عدما عدي عصواكا أورفي فريك المشار الركوب أواو و كواور الكيد كال كِلْ أَوْفَاتُ وَمِا كُوفِهِ كُونِهِ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ مِنْ لِللَّهِ السَّاسَ عَلَى مُنْ فَعَد رَفِيلُهُ ではないとうというかとういんからばれるいいととかけ

الله كان دى دكار الله وقت إسابو الرائيس عبراك ارقيق با و مواقد اورمرى (باد و موسد و النت كالميم كل في البين وقت والد والديك الله كال الله النت وكالرويكن ي المدل آل كالتدييخ كالعامل والقراري على والا いからいこのなんでいているいといるかいあっているかん المحان كالصعب والبيدول تا وتبل جول فكن ميك مسل مافرى وكان ادد باددون من عدد الله المراد و مكر منا دكما عماء وك المندوا الم تق كن ميرسى احتياط اين بها ذك لي ان ساكد د اكر الرص فيل برجا دك أ こいいしんはいんしきこのいかんしょうしんいいかい cheil - rana interiorestitumento

روبايدك براسال داخوه ل غ من تعدر اور كرم يديك عوالما يكو در الم الترويا كاميال

excemit a finit 2 stros pares كالمدائق " وقالة الداوهي " وومراع وع ال الث عير خاروه مفرات ج الحال ي كي فرك مني وي . ال معنون أو تصي ، ال يد فراندات عرفوكرا بيل. الداولي "عراد ايدوا راى امران ك اصطاح ي ده دد ع و المرحد المولك والما الله الدي المنافرة المراس المديد ول الديد المعارض بعد عد تدريد المال المادك عنى روا د عرود مدوم الع مى الله القدى جا معامع د يو ول و ي م payth che to to de de se line sie order

الا من الرياد الله الله الله و الله و

كَنْكُفُكُ وومون كوغون في الاين الرابي الرابين الرابين الرابين الرابين الرابين الرابين الرابين الرابين الرابين فرصت الله بكريك بال موقيان يك أم كوفي نيال عالب - ال كالفايي いかいかいかとうのかれていればとないかいはいないからでき ما لارودورا مير والاستفادة عا تول بعدي بيدي بالكياب والعام كالطيف الد رِمَنْ لَوْرِتَفْسِيلِ كُوفِي رِبِينَ إِنْ اطافت لارا قدينين هِرِفِقَ ، الدَّى الله ليت لمبيت الدكور يال معمران كري يدوه واقداعدا أل يعاطف يساكر في كما ي الفريع ألى واع كرف بن ووي ي الى المي خليف ما لفر بي تفراي بر محيد والال كاليدان الريكات . مردافرمت الأيك كرميال ولين كأق ملاك بن المناكزاع المادى

ے تعل تعریف الدرمی ولی لبال اور مها ورات کا تبعث با آل دوجا ہے ووكار اليد الفالا الدر المادر عدال عمادت يدارة براج ولاسك والمامون لتنظري استوال كستة إلى فكن مرزا صاصب ابني سروا تطعف الضعطون بالبيعة وها في اختاف والبعورت أرفست مشمون اورفيال كالمست وأكريال يونافرحت الأبيك كاهوات بي . اسام الله كودشره الاق مقايي كم جد اقبامان من كرتاي .

يم اور بمارا المتحال

بناب يريزما وب سام عنيكم - ذوق وعم مزا كي يي رس اے طبع بتر کا عرف ہے ایک دات میں کا ادر داے دو کا ادرے بعين انسان و نيا كما تا ريك ميواكي و يلك بين او إلى عن رواقي ميلؤ كاريك بال ويناكم والمن المراح المروم والمال المنال المديد المال المنال المن collections of the way of the prince Lalvan S. to payon in an in St Ends Long 1650 الى مي قالى كالقيده بوكيا - اورائ في الخاه من كاماعة في رمان قاده ٧

رب يد دوندل دغ رميار لوثق كريد اليخياجيل . دوندن كريك بي يرج یں جاپ سے جواٹ مامیدائے رمالی خادک بستالی مجنے ہی۔ له أن وها أو ويكول وه الي الماكي المركة اليده تري الجلي.

تصوير كالك أخ

נישל ביו ושושות של ביו ושושות של ביו ביו ביו coloris place Anzyler Luris ا و الآل الياكا و الماعدين الراع الى الدال الاباب ديد وَالنَّهُ وَاللَّهِ وَاللَّهِ عَلَى اللَّهِ اللَّهِ اللَّهِ وَاللَّهُ وَاللَّهُ عِن مِن اللَّهُ عِن مِن المَّال كرون والمال كالعرب والمال المال المال المال المال المرال المرال المرال المرال よいいははなりいいのといかいないないできずり こといういとうとうしいいしいいいいかいかといるといる ۲۱ این سک ماورده در بی این کیش و و درست که اکرشه کی برس این بیشتان و جود سند کیزیان کیشتان کراز ادارای برد و فرادم بررسالسد و براید در درسانه مشترای در برایر افزارکد سر صاحب سازه

ત્રિક મેરિકી માર્ગિક માર્ગિક

ા પ્રાથમ કરવા છે. ત્યાં મહત્વન સામ મહત્વન સામ મહત્વન કરવા છે. તું કર્યું કે મુખ્ય કરવા કરવા કર્યું કે મુખ્ય કર મહત્વન કર્યું કે માત્ર કર્યું કર્યું

Lott of strom Ly roman for trap

take bod in the minter one of the thing

كيمان يقطّ وه هجّ المراقع كرايت امتوال عنده او دراسكان و دور وفت كي والله المستعبد المحولة المناقع والعالم المناقع المحولة لرئيسه بعد المراقع المستعبة المناقع المستعبد المراقع المستعبة المراقع المناقع والمناقع المناقع الم

ં પ્રાપ્ત કર્યું કે માત્ર કર્યું કે માત્ર કરવા કું માત્ર કરવા કું માત્ર કું કે માત

ارد که زیران فران که سال به برای سه برد کسیده کیدان در کارد میداد که برای در به در کسیده کیدان که که برای در برد که برای در برد که برای در برد که برای در برد که برای در برای در برای در برای در این برای در برای در

ام المراقع المراقع عن الرحية في المراقع عن الرحية الموقع في الما المستقبل المراقع في الموقع في

آب و دار المار من و او او دار المان و من من من ري المراق منام الم د فواد و و او او د المان و المان الموساع . الفيات المسامل The state of the s

المراقع المساولة الم المساولة المساول

ي المراق المراق

که اگر میرست بردید به به این صفحها سه کرگانیات به نوستایستانهای که کارت به نوستایستانهای که کارت بردید به میرک که کارت این بردیمان توجهای به میرک بردید که با بردید که بردید به بازید تاکید با میرک بردید به بازید بردید به بردید ب

بەرجە يېسىدالكەنوست (قا) تصور كا دوسرائرغ

الكافت ين ويادونك دو ز بازال كرماد مد دارى تشق و دارى تناق المركفين المارك في والمصاحب والمروع عادات من وي وي والماري الماري الماريخ でいかんとしかいけんからこんないいできかんかったい ال كالقال كوت يرى وكالم موسال كائى الإنسال من الما تعالى المراب قدا ولان الإسلام و براضا كريا كي الملومة إلى ها المتكال براي ال الديدادية ويدادك أوربات في ديمياندي الكال والكوا . قرت بال المراق ومساوى في المالك المواقة والمالك المالك الما ביני שיוטיל ון בל עו בם לבו יום ווברים שו מונים といういがられなんといっぱんしましかいこと おけらかけいいしゃんというときいいはいりないです。 Porture de porta en la como de la Suradinidan maritaridadas propos Va المستعاد الم المعالى الماري الماري الماري الماري الماري 200 - A mindle 200 22000 2000 12 World 2 World 18 دد يعك دفروي وفر كم إلى في الميك لها دور باوى مي ازب دواي على Windstillian worldwich We read May de son V good of the Standard of a special sol ل الما كادو كا و د الما و الما

The property of the control of the c

rr

يك يراكا أيا تفاريد ساكرا در وكدكرها الكاكر برما ميكا خديد البريكول لالكور والى معنون في المدي الما عنا كريد م المع يكوري الماطري وأكاف كريكان الأكاندوب جوتادك تأغث يمي على على ن من شار الدين المن من المن الله من المن الله من عدم المالي ودىل دائده مام كالماش في برائي الراع دويد دائلك النافكة إلى بولى المراف كالشكرم الداكروا وركد ووكاتعالية تها والرصنست مندا تعري كي جزئ فرد عدر فرو عدد كالأن الاقت روات كروا يم مادی ادور قدارے ای احدال مے کی جی میکریش ویر سے اور ان ع الم أله والرجوال مرا ور بارى والا المراس وكيار عدل عدرة وم المسرومة الطاله والماست اورتبار عبال يون كراي كظال بي فالرق م لا يوول ال يجي ويام حن الله ويدو ساك مراوا و عدد الاسموم ك ولي سعوال موكروها أنظ كي رير قد المثاء الله بها يساعين او وي وونيا دون الله تعيلا براكاري مين ول سے دولوں جزي عير اگر ويا رواد و صاحر خ رميز ك مِنْ الموالي ومن بول كري مان كرون الله الله " كي بهال وان الله يوالي الله المال في إلا مانظ الله الله إلى يرجا في في مينا : قردها المورض ف تنس يد بعز جده المي دوا على دون وراق وراق من جزا ع مر و سعد مرحق الماكي بالى تقيى الدرعيد معاش بالكتي بالى كل راى عرصري مغرب كا دكت بوكيا ، إن ير من كالموجب من في وها كرافي إلى اللهاسة . قر وال كراكم والقات باورًا لت يوى آنكول عدائش جارى م شكة . لاان يا دى : وي على . ال خرب برىء حالت دىجى فراف لكيس - إل شاء بي وعالا و تست - خادر به الله بنور بي و كل كان وها كرفنا فرن كان المراك و تعادي مراك و

در المستحد به من المراكب المر

الماسات يمكن في موي مول التركا . بيركد يجيل قدى مر الاخترات

كاب و يحيف الله او يك المرك المراج الله كم يوا الله كم يوا المان الله المراج الله المراج الله الله الم

در المساولة المساولة

المن المواجعة المناسبة المناس

الله بالمهام إليها كما المن من الله المن المنافع المن المنافع المنافعة المنافع المنافعة المناف

هر شده هم کارس به موقع به کوکول دیگ را نداند. مر فواد مرتفی در ۱۰ دارد به کار در این این می است مدت که بهای می هما از اندانی سیدهای این دارد یک سیده بازد و دهوری از کارسید یک در در این میکندان کارسید کارش این به هم این در تاکیا به ما میکواند تشکیل که کاران میرسی می این است کارش میرسید بازد یک میرسید و با این میرسید این است میرسی این است کارش میرسید بازد یک

でんといるでんとういれどとうしんというかいと

د د که تو کار د این این ما تا به د سمان میدگی به بازی به کند ارسان در بساند.

هم به تا این می بازی این بازی به بازی به بی بازی این این به بی بازی این از میکارد این از میکارد این این این این این این می بازی می بازی

ملاتله بجری ثین دبلی کا ایک مشاعره

د) تېرنيک دنځان منساقځ کن

المارة المارة المنت برتسدار

جَوْلُ فَالْ يَرْجَعُ المِنْ يُرْكُ عُوْ فَالْمَتِّينَ فِي فِيلَ مِن طُرِيقٍ فِي لَكَ عُلِيلًا فَلَا يَوْفَ مَ كَلَّى وَلِلْ الْكِلِيلُ الْمَالِمُونَ مِن الْمَا يَلِيلُ الْمَلِيلُ مِن اللَّهِ فَلِيلًا اللَّهِ فِي لَكُنْ كَلُونَ هُمُ اللَّهِ فِي الْمَرْجَعِيلُ اللَّهِ فِي اللَّهِ مِن اللَّهِ فِي اللَّهِ مِن اللَّهِ فِي اللَّهِ مَ مِن مِن فِي عَلَى اللَّهِ فِي اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِن اللْهِ مِن اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللْهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللْهِ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللْهِ مِنْ الْمِنْ مِنْ الْمِنْ اللْهِ مِنْ اللْهِ مِنْ اللْهِ مِنْ اللْهِ مِنْ اللْهِ مِنْ الْمِنْ مِنْ اللَّهِ مِنْ اللْهِ مِنْ الْمِنْ مِنْ الْمِنْ الْمِنْ اللَّهِ مِنْ اللْهِي اللَّهِ مِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ اللْمِنْ اللْمِنْ اللْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ الْمِنْ اللْمِنْ اللْمِنْ الْمِي

م جديد كما بازي و كدول برقى 2 و بريد توديد و بديد بوياشة بي . المقال و هي كورات فار با تقد من براي كورات كالموري فاري و براي كالمي المغير . و المريح الما تقد أن جال بدير الموري كورات كالمي المديد بي المؤير المي المي الموري المديد المي الموري الموري ا و المريح الموري في ميان الموري المعالم المي الموري الموري

21834806

المراكز بالدين مع الأيل به الموافق الدين المدين المدين المدينة والمدينة والمدينة والمدينة والمدينة والمدينة وال المدينة والمدينة المدينة المدينة المدينة والمدينة وا

الماديك الكرية بالمتعادات المتعادات المادة المتعان في عديد المتعادات

ر میدان شده کمان از داد به می از داد با می از می ا در این این بدر این این با در این که بر این که برای برای برای با در این با

A STATE OF THE STA

در الدور ميده المورد الدورية الدورية

ان باستان کا احداق و کیدگی این این این کنده کار بی انتظام این انت

رکان ما سب آنگریداد اگرا دوسیده واقعا متکار طی کرکے کا ادارہ کا کا بید برگارا دیں گا۔ کی متنی کرکہ یا ما تھا کو بر کا متل میں ایس مورکٹ جو اگل نہ برگارا دی لیک عرضت وال مثل دورکٹر کرمان اور ایک اورکٹر کے گئے اوالیا یا دورکٹاریاں حاجز اورکٹاریا برکٹر المونیٹ کے کامونورٹ ایس کارکٹیر معمام ہوا کہ آئے سکتی آئے نے معاقبی پاک ra

where he was the first of forest and the first of first and the second of the first of first and the first of first of first and the first of first and the first of first of first and the first of first of first and the first of first

مرزا فرحت الذبك

معیر سے بہس ارب نظولاد کیا کی دورہ کو چھالمزاکی

مرا المركم الدين ب ين إلى يت كا وب والا يون و وعد والد ب اكان يربهان شأل فوب واقع بدعا وراين الارتيان كا دجت اديا تراش دب CLOSTON OF WOUNDED SIZE ZWEED الكالى كالماك كالماك عائداد صدوري جيد وادمام الماك مع والمعدد المال المراس مراس المعدد ا صافت فرع برق 3 3 كل ك 10 ما م كراي ان جرع عدد في يوري الراجية كمنف دوافون كامرا دانكوشط ميرسه والدواع الذي دوم نبعدا ق معمت إلى ال الانجاداد كالم كريف بعد الديم من يضيط كام كراسة من من الانتاج في ا عيدالغط كدول بدايرا مرى تقيلم النبس ووفال بزرگان ك إعترال براقي اليكن برمين البعث اورقا فال تفكول في المربال يت عرول . ال زاري وال LPZY. GOLGA CONLONE benKAG يت بارى الله الما مد المراجع على بالديث عيدة دال في أي المرا على الله 1. Pon de welson at the de did it is ملقددى يى للى شاجة كان للفرى ولواكا في كالكوجدة بوق عن لماليالي كة كالتي بن جي الله الله و مال الرواد والدال براي برودسي والمقابي مع رجا ادرال وعديد المراي بالمراي المراجعة في الماء المداني فالعراد 20. 3 3 - 3 3 67 67 6 an 1 3 an 4 cm - 1 5 4 5 0 6 2 4 人

کار برای در لیک اطور کا ایل کر جمع یے . فکن میں جدامان با بنت مقارد بود

ک رود کردرداری پروشینگرد کے لئے آن اوا اندر کے اندان استان میں آن فرد کے اندان سازتی فرزگر و بات کا فردان کا در انداز میں اور انداز کا انداز میں کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا و بات کے انداز کا در انداز کا در انداز کا انداز و انداز کا در انداز کا در انداز کا انداز کار کا انداز کار کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز کا انداز

المن المناسخة من الواقع في المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة المناسخة ال المناسخة المناسخ

المنظمة المنظمة المنظمة المنطقة المنط

الى تقديد مد يجهد كم يوان به بها قد الإنتاع مي المدودة عن كم ولا الاميخ بالدي بعد التدوير بها كالمين الدين المراق الادوير بها يرقع أن المين المدودة المين المدودة المين المين ال يعدم المراقب المدودة المين الدينة المين ا

کے ''' بچومیزو بارا دوشیدہ ام بختصد ونشادگالب دیدہ ام رفت تھے ہے این مارکا ہما مرزان میں کان مکا تھا اگر مرے

Alkahogen Anglin (Sigerian) kan in muning had.

Jimpul Sang Migalian (Sigerian) kan kan ing mining had.

Jimpul Sang Migalian (Sigerian) kan kan ing mining had.

Jimpul Sang Migalian (Sigerian) kan ing mining hadi ban ing mini

المهمية المساولات المساول

المراسط المساولات المراسط الم

و داد كذي تي ساء بوارتهم راست ايترافتك واحتارا وكورافلار

الم در محاكم و مع مناكر من ما درا من المدر معاد و من المدر من المراك المدر من المراك المدر من المراك المدر من المراك المر

でいませたしからつまりたったといまでけるとのいる

در استواده کی با با با این استواده برای با در استواده کی به استواده کی به در استواده کی به این به این به این ا رای برخی برای به این ب

ما المراقع المساولة المساولة

is produce interestant many inches with

ماشان کان ہے جی می تیں نبیت سانے وا چرق بعد ادرج قدی واس ایس

the property of the property o

ما صبة كل ترك عرصه بين أول بي مفيد عيرى مِنْ في أَلَى عمل عيره من

ي كو المحلسك ون المحرب عدا إن في عي مرع إذ والمستعلى

シャシュトロイルいの トレンとかいりとのこからきんん

عُورِيكا ورفا بعامي عبدكا "بيك تفريق يك" ابنون ليكاني

الدينة بالأواج الخطائع العدائمة المواقعة التعديد على المواقعة المنظمة المواقعة المنظمة المواقعة المنظمة المواقعة المنظمة المواقعة المنظمة الم

ولان على و يكين بيا د بوكروقت برانها وكريشين . ين الدير لا قر آ الله والمرق فراكمة لم يح ودرا الدران المرق فراكم الله الله المرق فراكم الله المرق المرق في المرق とうなとしなるできるこのかといいとかとよるはないり、そのか لل بوجه دومها المارة و بالمام وي المورية المورية المورية المارة الله وعد عداد كا كالكاب فري الألف يدين والماه الماري ويها في المديد والمحال والمائد و المائد و المائد عدد الما طلق لا جن يو دولات الذي والا يوال المن المديد وعد . وإنا الم در داد على غراف كى وروالد الدي فرايا ادر ويد موركد ود مين الجهاري إلى الله مات مين بولي- الله إلى بيت الودن بأنى إلى الت والوال ي بهت انتام بوسكاب - انكرزى كابين بادالة رشعال وم بي شنا ير جائية - ايمان خوامانك مي فيرودات واقبال كردما وي ادرواستى والش المطاقة مل والموريج من كي بسى إلى المريس محتاها كروسيكا وهوافي كارعدور كال عي اوركال والم ت قاي - يكب الخوى إن بالديد بساعل مدا بوالعظ - بان س منا مزد د کور ای و مرسید منوری ای شکل د می میکا دست و او منظر بادن というかいないないからい、からからかいないことには ويد عالما و محت د والجدد الدوي وال با والد في والدفي ال بادماد بالم على الم الله الم الله الله من الله الله على المائة الله الكرائع وعدا ١٥ . فرماب كراكية ويور العدي وي هالعصام واقد بالكاردا في وي ماميدات رعاد منا wil velsor den constitue con anil

ے ووڈ جی بیست لمال فرع تھڑ کا عضام تا ۔ گریخ جیاں کہ کریڈ اسال میں اساس کے اساس کے اساس کے اساس کے اساس کے اسا حاصت کا جا کہ وورد واقعہ کی اور نظام انتقاد کر درے ہوں گے۔ مجھر کی اساس کی میں اور کی اساس کی اور میں کا تقال و رپی دیکھ کی اساس کا در اساس کی اور کی کھیل کے اور کیکٹر کا واقعہ کا رک رسید کا کہ اساس کی اساس کے اساس کھیل کے اس

الم من المراقع المراق

والمال ومياك ميدوال بركا ووال المالا المالية المالية مرسهان بادعت كدب بادر مي البيدي الابدي الابدي الدول 四日はいことというというというないかんかんかいいんだっと فراك الى الذروي والت فدا الحداوي بولي أو وإن كا رأك وكيا معرت 一ついは、からりが、ときしているいんはかり من وي س ودكران على في صرف بل الله ينس ويكا . ما دقد بيت مخيد ميم المن عدل جره روى والاستوانيين المايدي والديد ないまないれた かいいば よーだいいがま はかんしょのか ركت رم مندا بن . ميدى الدارى كل در مستاد متوى يددا دا ده بن الإى برق مرس عادي والى المدنيد بيك بوق الم الم يوالية الم الما يوالية الم ي الأدة بياه إلى تقا جروير عر إل ينس مكن بادج ديرود مان الديناب & designate franchis is a visit المشرقور مي برف على . ايدر يد من فراد تروه وين عداي يا يد كا تقور といのなっととれいくのであるうとかりかくいいのと ou consulation a few vices de la se الماس ميدان عد كارس له ورزي من المراجع يك يع إلى ودفان لفراد إلى الرك الوقال الديد فاه ما معد لمزاد 142 cc. +20, port plost = conference us vi فاداله وافيت البائد مالات يمانون عصرت الله الله كماية فاطنت يدار إعدالا

ور برواندا مه سه بروس با من طريق به المستوان المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة المنافقة ومن برواند في المنافقة المنافقة ومن المنافقة ال

در الدول المراجع المر

در وادر الدرائع المدافرة على القريب وقال بالفاق المشارة بي العرب إلى الملك المدافرة المستندية المدافرة المستند الإسافة المائة المستندان المستندان المستندان في المستندان والمستندان والمستندان في المستندان والمستندان والمستن

الأعداد كما المساوية على المداركية المساوية الم

ورا ، ويحد وي كارو تاريد ويدار كار الما مود وي الاي العالم الماريد لادمت المامام لديداهم أي كي شراد بماميم مكون ادركها البيان كريم الذي قركيا جانى كرايي هذا عودل بي كيا فري بوجا الأسب سينها وعدم ال ENUMBER - Elle LA Ed IN 18 , USE NOCE المركة عي شرك كوالوا بسعا وب الرياض ورن بعدة الميسان كودور مع معرب بين تربل الرائية إسكرى والداقة في المرافظة والم العراق ال في المعالف من دوة سفرايشل من العادو عالمعيد ين في الراكام مين إ تقر في اللبعدة من الله ا ورمية كام طيف قر تنطق كاشا وكل كريال الان الاست فالدوع - في والله والمدين والمدين المدينة بست سيساب شاعات - ترتشك بي نك بو - ون آدام عاداد الل سي با ادعرا المال على المراد وعراد والمال المال المراد المال المراد وعراد المال المراد المال المراد المال المراد مان على روائة وفرن عن مي الله ع وما اوره وسب الدين تا الارم الرم ل لا قال السب الويري إلى وج عدد ترايا مكان عيرور ب يود وإل عد ال 5 80 10 2 2 Soum 2 12 Seson 1 12 141 الدائرة يم يستن الدائد على الماري فال كم الماري فال كم المال ي الماري فال كم المالي إلى رستكا وراودكا في دروان كالرحيط الما والاقتاعات الله كول. V في ورون زمكان عال كان من من عيد عوالم المعلى والوالق عدال من المد والمن والمداور الدار الما الما الموال والمدول الما المدال بدوارة ملف يوقس عمراري سدمان عراما علايديدان

ખેડું માં છોવે છું કર્યું કોફ પૂર્વ ને હિંક મહત્વ માને ફાંક કે મહત્વ કર્યું કહ્યું કે હું કહ્યું કહ્યું કે હું કે દો પાતાન કર્યું કહ્યું કે હું કહ્યું કહ

المنظر المناجرا بور فرون كالرميا والادوة كالكاء والراك والمو

كالديكم ومن يمن زاد كالديدات والماجيد عن الإنتاء

کے گئے کہا میں ان معمید کا مجان کا انداز انداز کا دوران کے الکی کے اللہ کے اللہ کی اللہ کے اللہ کی ال

ما بالنام المساولة المستمالية والمواقع المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستمالية المستم المستمالية المست

المنظمة المستوحية المنظمة الم

در می در در این به این

رية إلى ... وحرصت من يقول من المواقعة المنافقة ي المواقع الم

ત્ર માર્ક કર્યું કે માર્ક કર્યા હતી કરવા માર્કિક કર્યા કે માર્કિક કર્યા કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યા કર્યું કે માર્કિક કર્યું કર્યું કે માર્કિક કર્યું કર્યું કે માર્કિક કર્યું કર્યું કર્યું કર્યું કર્યું કર્યું કર્યું કર્યા કર્યું કર્યું

ا عبل مسال محاق بالاسکال بديد من بديد من است مي واقعه به مخط معهد ميدمول في ملت مراح اي بي ميدمون بديد معمول بالدي الا من ميدمون ميدمون ميدمون ميدمون بديدمون بالديد ميدمون بي الميدمون ميدمون ميدمون ميدمون بي ميدمون الأمار المجل ميدمون ميدمون

والإلا المالي للاكتري المقرب المتواقدة بالداء والكم والكام والموات المتقارك المتاكم المكال القافدان ألا قاروع في فيعرر عادو في فتريز بي مان أومن ULBBURNIER BENEGUESUNESURL 1. たり、カセングをいいまとがしかんとしいいのいこと مادول ولى رعيد عوف اعلمادى كالوس كري الوس - AL Estado - LES We with with view of of di Lucymos 812 pho 19 de 2 2 2 2 2 16 17 مرون رائيش كر فيد تقد الى وع إلى إلى والا عداد الديد في الدان יון שונים ועובו בו לשם ונותו ביים ועל ביים יונו المرتبول مدرجال كمونيا لايس قيس وإلى كيس أا وكر يجول ك إ د شادي 2 メンレンスの見このは、よしいのかとといいる こうしいからしょうとうないないなんなんとというとうとう الله في يكني ويا المناكر بعيرول في وي الله الله من الله من الله الله الله الله الله الله ないがられないといることびとかいき せいとういれと النبي مي يال بوري تق بادرين مول لا تاسان سينة عا بوا لقا. بذكا وكرمان مقرا بأس مين دست بديمة ب كليد عقر ، كام مكان عدونوساك والمر عروالما والمانون كالمان فالمان المراجعة しまいからいでくというととからしかっているけん والمال المكران رفعال العادية عرف المال والمكامل المكران المكرا المساوية المدين والمالي والمراج المالي والمراد المرادية

and the state of t

an Enrique (1994) માત્ર માત્

いれないなどとかいいでんかんとれといくととい

يوك منروس وكتالوي لأمن مدوران والدكاف كار بالاثادماء

الى جميد يرزى ، يوموهنى مدى توجيق مدينا بدايدا والمان يى

تجصفاب زي العاجيما فالكاكان نغريادة ياسين نشكها بجيقة مهتشا وست

は、物質などのないはは、まとき、おものいこうかんできれた الله الرام المرام الما يست كوس المساعل المور عن و وروا ترك الله الله الله لخارد دوس مي الحن اكت بالداد والإعد محد مي المدال بالك とかりとれかいとのとははらいいにこれかんしゃかい incereducit conesilation 30 الدوايس بين المدي في عاد والله في المارس يوى الدين ويلى ويون والمنسوكيل رقع علاد والمال المواد المواد والمال المالك المالك على المالك على Critic dunting of a troubles to se years يوا كاف كيون و آيا كياد كت بول روك كدوول بالمائل الكال ان かがとういろーナルないといかいんこいがいちとうれい しかだめいかいかんといとからないれんかんしん apriliantity of me a now me is the istore in he and home side required whose displayer with والما المعرف على الما والمعرف المعرف يادها طرف ويحت الدكياء واحيال عادف واو الترك وكال كرويا كالرعال ويوارين المسلامان والمساري المناري المناوية والتي تبدي أبار يج تحاكم الأووج الد Low box So. Zent between bet monog Elevioritate worked

いいかいかいましかからなったというといいかいかいかいかいかい

ميده فضارك المن الإطارك المنظم المواقع المنظم ا المنظم المنظمة المنظم ا

· Es Sije Se ficker فىبدۇن العادىن قارما مىب ئىز ھۇلىب (ئىش ان كوياد، چى يى ما مسالم إلى ما كالمسكر العلى أن مراديم الذي مكان كروار مع بي مين عرف حدد دور علي المعالي منا أن منوري عادب ما صبيدًا الكانية تقالموا وبالراكم و المرت مي دي يك يك الحاب ووه Bung Kos Hard 2 Weers a - 2 in some se リナナナロト Za デストルーはあるかりゃからしずるいでい يرطوع وعدايا فناع بايا يوايدان الاسكمال اوركنت كالمرددود لطريزول يتك ول كالحدة تعد بندوات الديم على كالم التي كالم المح الموم : ول الله さんでんだいかんいとこれのできれいんがいいのでん شاكي - أي لنتمان الدوميد شاق ميار . ينا إضب كي ولي ون دن ك والمالادوملى الديالي المقاركة المالي ماصيد فيها والمالي المالة والمرس في المال بعدة في عاد بعد ماندم المنابع م المت المادي بيل تو تعد لا تلدان لا شار وقعا ، مُن السياد ووقى ك تحديق وم ركات ي الله الدور الرث كاريس زاري الميس و يحد مرك عقد الد I motion 人はからかかいというのをありないから

تر أن يبائياً مثل مديد ذر شده فر واور هند آن في فران امران امران عرف بعد المستقد المدينة المران المدينة والمستق هند توانس جديد بي المساعد المدينة المدي المران المدينة المعرض المدينة المدينة

22 40 m/ 876423812: 2000225 to

سے ان پسروویا ہے اس امنوں نے فدا عومٰن ک

سند آسکنده کادهٔ جنگیری نے برخبر (درسکندل میں بینیال بیدالرویا میک وثیرول بری با دختاہ بیروازی اس اس میں کارسی اور درخبر درسیوں یا میانین زادرے بیونوکٹ کاری کار کارس کار کارک کیسید کار یا کرتے ہے۔

کا میاسب چیریان مقت ہوگاہ کی توان بھی کھی نے دکھت ہوگاہ ای توکیب پر اور توکیا کہ بہاں نے جیسٹ مائے کا نے فقر پڑھا۔ اکرانی پر کا شند ہوئی جال کی گرود وکران دونات موکلہ کی ان کی گرود

آزال پیراغ کشتہ حراق بال کا گرود طویب وروقت محرافات کران کی گرود براے دکھے تھے آزال تھے ۔ ٹائٹ میت کانا تھا ۔ ٹانا دنیئر کے اکانا ٹھا۔ کا طائدال طرق الزواہیدہ۔

رع الزياسية -اے خال رخ يار تي يشك عاما پر جهال رخ عاد آن تهم كر

من از به این از با و این این با در این این این از این این مداور به این از این این این این از ا این این این از برا با این از این این از ا

A price of the state of the sta

الله المساوية المساو

العالم مين هند تاباهم بر قدام بالناطق العالمين في الانتخاب عزاز لك المار المساق المساق المساق المساق المساق ال العالم المين كالمواقع المن المنظل من بعد المنظل والمنظل المنظل الم

من المعاقد كالأولام الإيماع من المداون المدين كالمدين المساقد الموافق المدينة والمداون الموادنة المدينة والمد المعادمة الموادية المداونية المدينة المدينة المدينة المدينة المدينة الموادنة الموادنة الموادنة الموادنة المدينة بره با قد بور متر (دستارون باستانین) دست میسی و مثن فی اسکن بسید میک میری قدری بنی درگی داک میاکان چرد و بزی وی ایری آباری ایری و ایری و ایری در نیادان از متحد در ساید کی احری بری فران اگر داران و ایری در ایری و ایری در داده و ایری کارد در ای مقد جود را در در در می ایری و ایری و در در در و ایری در در ایری در در در ایری در میگان میری در

د برای با به انجورت کے بیدی این جو کہ بان اگر دساؤور کے ۔ ڈالم کوان رفیل بعد اندوس کا دو کو انہو تیک بعد ان الدارس میں الدارس میں الدارس میں الدارس میں الدارس میں الدارس کے الدار با دیں ادارس میں کہ اندوس کے اندوس کا الدارس الدارس کا الدارس الدارس کا الدارس کارس کا الدارس کا

آنها بخريار خاطر آناد بشده داد من الدول المدار المستقدم المدار المستقدم المدار المستقدم المدار المستقدم المدار والمدار والمواقع المستقدم المدار المدار المدار المستقدم المدار المستقدم المدار المستقدم المدار المستقدم الم

على المنين كلين والمام يرقي -かった、とからかんしというからしょいろり خراد كوميل يمثانا عن ايك في بد فياب ذين العادي فال تويين كانا المرك كويان بات با دو يورى فرع كالوراد وكان شاره بوا داشا بد الله おみとないのか、世中をからとめにしいかん succession and white with a الى سى الى أرقد يقد الله والمقال الما المراك وو قال فل كالمعالة محة والاستدائة تشريف ومير فال بدري ومير عبر بال وكي بالف عداد بالاستان والشقول الفام برجام في المناها المنظم علادا والاس كرب رود والاداى ا عرود كراعة بات وكالم دوم مان يعلى いっというとこうのないからいないないかられていましていい ى بنان به اكم وصفى الإندولين كر يدي و يدي ما صد علا الوحدة はいかいかがかかれるながれるといいいかからないのとい المن وي الشات الدر الكام على شاور عاد الله على الله على الله المنت فصدي ادرياس والد شرك در مداستاد ادران ك فالدمك 少いのはんいきにはしいだけんのかいかんに دل بوق على ويل بازى دورع بازى الوائ كلوائى وبيت ب دوود كرول ~ (US) 2 - ne nit 6.00 3x UU (UV) 2×10×10 الكراع علا عرف فرا كالعراب فريا إليا الداور فيت رائ

الله كالم المراجع الما المراجع المراجع المراجع المراجع والمراب

موی ما صدرے ہی امتیاد تھے ای کی تھے (انعا کا ماہد کی الخطافی

د تو تامری دین م (بایی ایر ۲ و محرص میصوادی و ان جملیک

ار عرضات وفاى أفي والواكسيال المان من تشافر والمو contentions de correction de sept le son أسام علكم كا وارآل مودا العباق فيكاسد محترز اصاحب وواتاوك فال كم المن والماماد الكادرة أيسك والمنافقة Luise design Villy OF ALELOGIES OF ويتعاري مراوي من الرعر أخا مال المسكم مال على الم الم المواحد الم المواحد المو 大きなとんといけんからいないというかんしんないのからから ع رافع كدوريو عدد إرس من العدد الدواكان اللي الميد المكسيد والشواشاء على بادر معرب إلى ورع ورع والان عربية والمعرب والم - 13/10-12/4·1013とりまっといかはれんなで عدال عداياك يكن في يروسيال الاستار الاستاري الديد يها وورون الازال والفائل والانالان الوالم الماسيكوما مساعلا الله والمناسك مع والله يما والما وال كاستبال كنة بكولاي كاليرين التنشيد بوكريه بلتة . وزا لامند او يجري بال のないこのんなないんないいとのいんといれん و وزا اوٹ سکرے اور کما جن می قان کیمنز کوں طنے تھے ۔ گر آنا وی کا ひかんれん のまかしいとことかんしまでいいとうかんがんと 80 80 32 Libility 12 2000 0 200 13 6000 一生を見ばられるというしいははない كودالال الدان الماري الانتق كالم يصيد المارك المعجب والا Blendo Inchoror 2 your Spechence الأرادة المعالم عديد و وعد و المعاول المساول webster tother without of

جامع ہا چھڑ اسے کے صدرتی ارتباع ہوتی ہے ہے۔ چھٹ ٹرنسی نے آبام ہوتی کے جنرائی ہوتی مدورہ آڑی میٹون کے اعزاد کا ادروہ اگر چھستیں تھائے تیں ۔ است ادادی کم آئے ہوئے چٹ کہ کا سنت ہوئے کے این کے کا کا کہ باری کا کھیا ہے۔

コナライガといいできいいいによりはいとのいといいか المروي والمراكة والماسة الماسة والمرود والماسة والماسة يرى روى خانى أنكيس دستران السرين در ينسيا ومن كاليس الى بوك يوكات أل جري ماليث لا الركاب كالإيارا والأي المراوا فاجي والموسال يمادر قرابى فالركز شواليه يحت يماريهاك المفرطر بمريم العائ والمراكان والي بن وفي بماداد والل صفار عا إلى - يطويان وع الرسد المادرال المراف المراجع المدان المادون المادي المادي المادي المراد المادي はなるようしいからかないしんといってんとうないとっという مِن إذا عدى منتس يتعد عرف تأل دوالل عد يعيد الترن مي لناجي حد الديد على يد والديك في الروان فروف والتي وقرون كالدر وهدا かんいとせいしょうないいかかいとうといるいるいる المستاور يوال المراد المراد الماري المراد ال سلايه ميريادون فرت لفرق الكراكما والتسب سيستدك ابرالأجازى 31 -1200. 2 26 L/ou be 1012 5 2 4 12 51 في كا واز و ك القارى كور عد ال س كالمون لو 3 الك الرود はんいきんしいのどいかがられるよんにして

المهدل المجاهدة المساعدة المتأكم الانتجاعة المساعدة المتأكمة المساعدة المتأكمة المساعدة المتأكمة المساعدة الم مشاعدة في المساعدة المداول الموادية المساعدة المجاهدة المساعدة المراكمة المساعدة المراكمة المساعدة المراكمة المساعدة الموادية المساعدة المساعدة

يد لين كم ساده المواد المواد

ر مساعت بالقدام به المواجهة في الصداعة المساكلة لما قد المواجهة في المواجهة في المساكلة المساكلة في المواجهة في والمن المعطوعة في المساكلة المواجهة في المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المساكلة المواجهة في المساكلة في المساكلة المواجهة في المساكلة المواجهة في المساكلة المواجهة في المواجهة في المساكلة المواجهة في المساكلة المواجهة في المساكلة المواجهة في المساكلة المواجهة في المواجهة ف

من المواقعة المحافظة المراقلة المقاولية في يا تجويل المراقلة في المحتول المحافظة في تحقيل المراقلة المحافظة في المحتول المحافظة في المحافظة المحافظة المحافظة في المحافظة الم

A to be provided to the control of the control of the provided to the control of the provided to the control of the control of

ح عنق آو دیناری امامانی ادر جائد در از در ا در کل حالیه جسد میرین بر سینی ادر کارش از در این میرانی از در این در میران برای میراند و این میرانی کارش از در این میرانی کرد در این میرانی کرد در این میرانی کرد در این میرانی

كرد المان ويورو من المراد و ا المراد و المرد و المراد و

خز آدی اکار د با نے آج در کر ای ماصر خرد و لا مے مول می دوندا د با مے کول می انتخاب د ا الی است او دکتر کی سوارت کر ایرا ای بدان سرات می بود توسید بود کلیست میزدا فواند که ایرا کرمام که ایرا که برای به سوانسته که زیرای شخصیت بدند به کسس دارد در شاویست در ایران با در میزدان و در سوانس و است که اماره می ایران میزدان میزدان میزدان میزدان میزدان می نقش است که سرات میزدان میزدا

ر دارد باز نظ هر در معنی مهای های آن به سوده با هدر به در خود بر مدر مهم مهم بر در احق بر می از ماه هی بر می می برای مهم بر در این می می برای می می برای می می برای می می برای می م میری می میرون میرون برای میرون می میرون می میرون می میرون می میرون می میرون می میرون میرون میرون میرون میرون می میرون می

Enterfact Time when the time to the the could be the deep to have been the time to be the could be the deep to the time the could be the production with the deep to the time to the could be the production to the county to the time to the could the time to the county to the time to the could the time to the county to the time to the county the time to the county to the county to the county the time to the county t

المستعدد المعاقبة المعاقبة المحاليث بالمعاقبة المتعاقبة المستعدد المتعاقبة المستعدد المتعاقبة المستعدد المتعاقبة المستعدد المتعاقبة المستعدد المتعاقبة المت

ما در در باست او در این شده با در این در 2 سال می افزارشد شاور این در ا

ر برای با در بازی به در این بازی به این بازی به این به این بازی به این به این به این به این به این به این به ا این به ا

المطاع يكف كم يعد في من خالا خذار ل الأوسك والقدين ويا . زراه الثال كالغذار والواحد

را به المائية المستوانين في ا

ولي تو ندست هيسيدها هم قد ويونديا دري الان هداك الانتفاقيديا راز الدونتي الدونتي التو يعيد الله يعيد يده من هي تلان الانتفاقية المدارية المدارية المدارية المدارية المدارية والمدارية الدونا الدونا الدونتان المدارية المدارية الانتفاقية المدارية ال

\(\frac{1}{2}\) \(\frac{1}\) \(\frac{1}{2}\) \(\frac{1}{2}\) \(\frac{1}{2}\) \

مها آن مده مثلاوه دو دو دو اندا انتاقای هم سده گری به اینا توسیعهٔ عرف انتقاعی کامند. در مادن بسید در از برای برای تروی انتقاعی کامند. معتد که این برای می انتقاعی می از این این می میشود. که این با بین برای میشود در میشود که این برای تروی از این انتقاعی از این انتقاعی از این انتقاعی از این انتقاعی که این با بین برای میشود در میشود که این این میشود در این میشود از این این این از این انتقاعی از این این این ا

برگ آن مراه دولاند نیخوامی ادارای به بازاری ماهد به برگ آن ماهد به بیداری ماهد به بیداری ماهد به بیداری که اید برای خدامی ایران ماه ایران میداری که و توست بیش بود از که ایران برد از که ایداری بیداری برد از که ایران بیداری بیداری ایران که بیداری ب

الاركان الاركان الاركان المركان المركان

عجر منا صدید نے بہت آخر ایند کی اود کہا جوالدی اور اندیش اور بردائی وزیرے پر بہارت پڑھنے چڑھائے کے شید پرسدا نہیں ہوگ دیداں فاضل دیجہ راک وقت و ل و کھی کروائٹ الک کے اندیش کھی کھر جھڑا اسکی کے ماستقدا آئی دیا از با و کے دینے والے ہی

الك كما يود كلي هو الله المساحث أن ميدان إن با فريا و كما ويت والمنطق الما يودان المراد و كما ويتنا والمنطق ال جيت والمفاعث والمؤمن الرجب عيد وي الدين أن المنظمة المنطق الموادي و منظم المنطق والمنطقة فريد كافقة عمل وي المنطق المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة المنطقة

خمان کا کاش می بروات مراوس رہتے ہیں ، لین اوم ناز واصا تا کراہے بلند

سين المناسبة المناسب

در القريب من من القريبة المناولة والا تقريبة والمبدئة المناولة المناولة المناولة المناولة المناولة المناولة ال القريبة القريبة المناولة المناولة

ٹ مریس نیوں نے وفول وال وہ آ کھے کی بیشد ڈ آئی ، بال تکلے ماوں نے ساتى تادىدادىالى كال المتراكم العدل لري かんかいかんころからいいかいかんかんかんの 心かいいいいいいいんだ からいっとかいりかり الالراضاي وفراديك يت الكن ساكري الماها المان الله المدارية ويوسر يك و الى نشخ كور جال او ع كرمائ الله ال كرول على ود Arismodelese Finalizations ى هر الله ي عن من من وي مدت نوادن بوق الله كر توسيد للك على المن المراج والمراجية بالمارية المراء في بالمرابي 二十二十八十二十二 endulyinteli wil we said in whether it was gusto21201 عراض ووما لوامال أكما فيمل wherether sphilipped ال كالدورة الأل ماك كا إدى يك يرسيدا يل يطرأ وكا الرائل كليس كوك こういいからんんしんかんりんかんしんからかとして يىستاھىدى جى جى دى مايدا دىگە تىك ئاسىدان ك بول بى قلدىن -42/25/5/15/44

وقريد لكالى و دب زيد لع كا قريش كادوم كال ع. ل كالدمود كا الم بالل مراك فراد مدم بالعرود كالرابار oran Burlances Declination 13 こしのととしいとうといかのだしょうかいんかかつ 54 4 1 1 3 2 1 1 1 1 5 dienser File الفراعين عين. 40-12-41/24-172822/36 Big/24 VILLEN JEKINGE الماكن تنعل تبديد مرايات الا colorbus (3) this - revent attoring منس يكروليف زيم تا تقاداد كا كالميس سرفاق كادكياكياء منى مى الربيطة يدكورت ووالمنط بي ، الما الريطة من أو يتاب بوطال ادفاق کال ب بروساد ا 6 people apost of with a survey of control to so MENER SAKURAR といいはかりの فرهن أرق هورن حس كت كرابيا كانين موثارشا ووقف الله اور مر مغرويتها محاوروة فأور موكس

The state of the s

apolytic disent significant designificant de

and the first state of the stat

کاکستان نیز ان کاب در در آن با آزگر میزی که شده داد. در می با گرایس در این می باشد و با در این می باشد با بیشتان می باشد و بیشت بر خواهد بستان خدمولان بدر والان ب در می بازی بازی برخود می در می از این می می از این می باشد باشد کار این می باشد کار این می باشد با می می باشد ب

\$14\$ LEGERA334

كرفت الديدي من في في الدين في في من ويور ديد

Bruinz Le contide

الماس ووالمستان المراد على المراد المراد على المراد المراد على المراد على المراد المراد المراد المراد المراد ا المراد ال

هی الاجراعی المساق التوان المستقد الم

ین بی بیادی این سازم به بی با در چه سه این از میشد می این از میشد بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری بیشتری بی بی این کاران بیشتری با بیشتری بی

های آن و در یک می مثل در یکی که در یک با در مدید بر فرده یک می مثل و ایران ایران که را مدید و بر در ایران که بر در یک و در ایران در ایران

ادار المرسيد الوقاع المن الكان بواج بان بالاتخاص المن الكان بواج بان بالاتخاص المن الكان بواج بان بالاتخاص الم بالاتفاع المن المنسسة المن المنظم المنظم

તે કોલ્ફિક કે કે લેક્સ કે તે કે લેક્સ કે લેકસ કે લ

والان الموافق في منا مدياً والكديم وعدا كروان والك في الموافق كريا بيط التعامل من الموافق الإنسان المستعمل في الحافظ في الموافق في

かっけんしん かんしでんしい いいっかんいん せいいきんしゅん

كون من حافظ منته بزنگ به است گفت به به هم الداری این منتقل منته به به هم الداری این منتقل منته و کار انتخاب ای منتقل منتقل این وزنان کسید به داری این این منتقل به این من منتقل به این این منتقل منتقل برای به برای منتقل به این منتقل منتقل

ر الموال الموالية ال

پر الوال انول ہے الاندون کا الوال ہے کہ آئی اس کے دو گئی اطاع کے میں کا دھورات کے طرح کا گئی اس اللہ علی و مشورات ان انتظام ہے ان اللہ الان کا المراق اللہ کی اللہ علی الدون کی اس بھر اندون کے اللہ ملک و اللہ کا اللہ کی اللہ کا اللہ کی اللہ کا اللہ کہ کا اللہ کا اللہ کہ کا اللہ کا اللہ کہ کا اللہ کہ کا اللہ کا ال

يها قد الم المحاكمة المان المواد المحادية المهادية كل المؤترات الخطرة المحادث المحادث

الله بالميانية المسيرة والأميان ويقوم المؤالسلام ويراني أو الميانية ويراني الميانية ويراني الميانية والميانية الميانية الموانة الميانية الموانية الميانية والميانية عن الميانية الميانية والميانية الميانية الميانية الميانية الميانية والميانية الميانية الميانية الميانية والميانية والميانية الميانية الميانية الميانية الميانية الميانية

د کلندی و دا ایک یا یا دنگ و این گسواری دوال برختی میداد در نیز میرد بست نظر برود در خواد اگر و کواون دیگه ایون نرایخوی مازاد و این از میداد در این میداد در این ایران کنند برای ایون نداشتی دکتر و کواون کسار کار و کار و این از میران کشر ایران کار و کارون در ایران کشر ایران کشر ایران میداد در استاد وُمُولِك عِرْف كا فالب موتى الكيد احتال وفي تضاحك はなっこれらいといかいけいけんしまるまんしんしゃと وى غرف ليس دو يوس بن الالوث ويا يدان ل الماده فالروائع إروقا محاها والكراجون في دوك وا فداخداكما لاع فراخت بوقادر في أزاد كماع الأدان لايم المنظرمات ومركزانسي بن وفي يريدام عايس وزعوا

J. 5263. 2. 8634 36 2 48 6 001 (2 4 3 2 00) بالا أن فروحي الدي فرق بدوات كالدون بال عام عاد こんかいこうないとというなるのかとこれますしてはればん يس من ريك وليس الماليوس والصافرات والتي كالرب المال المالية

משונים ולבשונים לבשונים בולים בולים בולים בולים إخوال عاد وكل المراحة الم والاي والتيم المراشاني V 5/4 いたいないはます でんりのとんこうしょうりゃ

أول الصنة بيماريمان الأالديوصا لآياجتاد تعرايت بنبي يماكن الأل التي يم كول ماه نت ياد كايا والمال وادعكر واكريوا はらいかんかんな とからいんかん isher to do and in surgary ودب ورئيس عظر يادول فعال الكويلي المساكرة ادريال ال 06 Just 816 100 100 2 5 1 62/2/2/2 نع رسل طرق كرامة الله وعادت بدع ادى وي دف ونعيد ك الله 18 Co For Latin concept at the work your of war is is her is a higher part is it こっとはなるといいといってからしからがらっこと ع معلوم بوت إلى والري واحى قرداتى ال كاسليع بال دوكا ها على الله الله

> العابرا بي ياى مروس كردك بديلاريادا بالأدرية

وين ريك ياليكي المسلمي وبضوى البيت كم ساقد الله اجورًا اور بيرت الكيز مسلط آپ ک فدست بی پیش کرنے کی سادے مامل کردے ہیں ۔ پاکستان کے تاری اورجزوفیانی واقعات لامرقع الك إلك في انعازي إ

هم ای وقت تک روشف کا بوت می نصوص ایمیت کی ما ل کنب آب کی فرمت می

یاکتان کے تیں سال (ماہ جزری سے ماہ درسیرے آئے یک)

اسے سے کہ ہدا ایک ان من فر ہوگی ہی اُس ان کے معالی رے عام معالی ر سك ك وافعات ودى يول كيداى فرح آب باره اقباط ين فروع تين سال ك والقات

مال مكين ك - إلى سلط ك مؤلف جناب والم تسين افر الى -مطبوعات شيخ غلام على أوفي ماركيف ، يوك اثار كلي ، لا بور

سب 7

رویش کتابیس

روشن

كتابس